



قریانی مادر

اخراج پسر معصومه ابتکار از آمریکا



بازگشت فرهنگی

داستان‌های موزی در مسیر نخل طلا



دشمن ما در ایران نیست

مریل استریپ علیه ترامپ



تهران زیبا شد

بارش‌های بهاری در روزهای جنگ



## به سوی بازسازی

تقدم بازسازی حکمرانی بر بازسازی اقتصادی

یادداشت روز

## در ستایش سیاست

عبور از دوگانه کاذب میدان و دیپلماسی

روح‌الله اسلامی

دانشیار گروه علوم سیاسی  
دانشگاه فردوسی مشهد

سیاست همواره در سیر تاریخ بشری به‌عنوان یک عامل کلیدی در مدیریت جوامع و روابط بین‌الملل شناخته شده است. این عرصه گسترده نه تنها در حوزه‌های نظامی و دیپلماتیک، بلکه در قالب مفاهیم عمیق‌تر مانند تدبیر، حکمت، عقل و فلسفه نیز قابل تحلیل و بررسی است. یکی از مفاهیم مهمی که در دنیای معاصر مورد توجه قرار گرفته، دوگانه کاذب «میدان جنگ» و «دیپلماسی» است. این دو، گاهی به‌طور نادرست به‌عنوان مفاهیمی مجزا و متضاد در نظر گرفته می‌شوند، در حالی که حقیقت امر این است که هر دو زیرمجموعه‌ای از یک مفهوم بالاتر به نام «سیاست» هستند.

## سیاست؛ سر و مغز حکمت

سیاست در حقیقت همان سر است؛ مغز یک جامعه که با خردورزی، تدبیر و عقل هدایت می‌شود. افلاطون و فارابی، دو فیلسوف برجسته، این سه بخش را به‌طور عمیق در آثار خود ترسیم کرده‌اند. در اندیشه افلاطون، حکمت و عقل در رأس قرار دارند و سیاست به‌عنوان تجلی آن حکمت و تدبیر عمل می‌کند. در فلسفه فارابی نیز سیاست به‌عنوان دانش و دگرترین اداره جامعه و تدبیر روابط انسانی مطرح می‌شود. این دو متفکر بزرگ به‌وضوح تأکید کردند که سیاست نه تنها به‌عنوان یک کارکرد اجرایی، بلکه به‌عنوان یک علم و هنر، راهنمای جامعه برای رسیدن به سعادت است.

## دیپلماسی و میدان؛ دو زیرمجموعه سیاست

در دوگانه کاذب میدان و دیپلماسی، نگاه سنتی بر این است که یکی به شجاعت، نبرد و دلیری نظامیان مربوط است و دیگری به مذاکرات، گفت‌وگو و صلح. اما واقعیت این است که هر دو این مقوله‌ها تنها دو روی یک سکه هستند و هر یک در زیر چتر سیاست قرار دارند. سیاست، به‌عنوان حکمت عملی، از دیپلماسی برای پیشبرد اهداف استفاده می‌کند و از میدان جنگ تنها در شرایطی خاص بهره می‌برد. دیپلماسی، با تمام پیچیدگی‌ها و ظرافت‌هایش، به‌عنوان قلب و روح سیاست شناخته می‌شود. در دنیای امروز، مذاکرات و گفت‌وگوها به‌عنوان ابزار اصلی حل و فصل مسائل و درگیری‌ها اهمیت پیدا کرده‌اند. اما این ابزار، اگر بدون پشتوانه عقل و تدبیر در سیاست قرار گیرد، ممکن است در مقابل تهدیدات و چالش‌ها ناکارآمد باشد. از سوی دیگر، میدان جنگ و شجاعت نظامیان نیز از یک نیاز بنیادی در سیاست نشأت می‌گیرد. وقتی دیپلماسی به‌تنهایی نمی‌تواند مانع تهدیدات خارجی شود، آن‌گاه سیاست از ابزار قدرت نظامی برای حفظ منافع و امنیت استفاده می‌کند.

## سیاست؛ ارتباط هدف و ابزار

سیاست به‌عنوان یک علم و هنر، در واقع ارتباطی پیچیده و دقیق بین هدف‌ها و ابزارها برقرار می‌کند. در این راستا، هدف‌های سیاست باید به‌صورت عینی، کمی و علمی تعریف شوند تا قابل اندازه‌گیری و ارزیابی باشند. هدف‌های سیاست می‌توانند شامل بهبود رفاه اجتماعی، حفظ امنیت ملی، ارتقاء جایگاه بین‌المللی کشور و یا تحقق عدالت اجتماعی باشند. در کنار این اهداف، ابزارهایی چون تشویق، تنبیه، بودجه، سازمان‌ها و نهادها به‌عنوان وسایل اجرایی برای تحقق این اهداف به‌کار گرفته می‌شوند. سیاست در سطح کلان به‌طور کلی بین این دو مقوله -هدف و ابزار- یک پیوند قوی و سازنده ایجاد می‌کند. بدون این ارتباط، سیاست نمی‌تواند به‌طور مؤثر و کارآمد عمل کند. به‌عبارت‌دیگر، بدون ابزار مناسب، اهداف سیاست در سطح عملیاتی تحقق نمی‌یابند و بدون اهداف مشخص، ابزارها فاقد جهت‌گیری و کارکرد مناسب خواهند بود.

ادامه در صفحه ۸



## ملاقات تاریخی

دیدار شی‌جی‌پینگ با رهبر مخالفان تایوان



## اجماع محتاطانه

واکنش‌های داخلی به مذاکرات اسلام‌آباد



## مسیر سخت صلح

مذاکرات مستقیم و سرنوشت‌ساز میان ایران و آمریکا  
با حضور عالی‌ترین مقامات دو کشور در اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان آغاز شد  
سازندگی به این موضوع پرداخته است



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



روز شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ زمانی که اسلام‌آباد غرق در نور گرم عصرگاهی بود، مذاکرات حساس و سرنوشت‌ساز میان ایران و آمریکا با حضور عالی‌ترین

مقامات دو کشور در پایتخت پاکستان آغاز شد. این دیدار، که در فضای بی‌سابقه‌ای به‌صورت رودررو برگزار شد، نه تنها بازتابی از تلاش‌های دیپلماتیک برای مهار شعله‌های یک درگیری منطقه‌ای گسترده بود بلکه به نوعی آزمونی برای اراده دو طرف در رسیدن به صلح و آتش‌بس پایدار به شمار می‌رفت.

شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، که ریاست هیات میزبان را بر عهده داشت ضمن قدردانی از حضور طرفین در این نشست، نقش فیلد مارشال عاصم منیر، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح پاکستان در کاهش تنش‌ها را غیرقابل فراموش دانست و تأکید کرد که با وجود دستیابی به آتش‌بس موقت، مرحله

دشوار، تحقق آتش‌بس کامل است. او همچنین از مسلمانان خواست تا با دعا و همدلی جان انسان‌های بی‌گناه حفظ شده و صلح در منطقه برقرار شود و اظهار کرد که اکنون در کشورهای خلیج فارس، به‌جای جنگ، از صلح سخن گفته خواهد شد.

ادامه در صفحه ۳

دیدگاه

پیروزی بزرگ ایران

تأکید اسحاق جهانگیری بر ضرورت وحدت ملی برای حمایت از مسیر صلح و مذاکرات



**گروه سیاسی:** اسحاق جهانگیری در مطلبی که در کانال تلگرامی اش منتشر کرده با تأکید بر اینکه تحقق آتش‌بس بدون دستیابی متجاوزان به اهدافشان، دستاوردی بزرگ و پیروزمندانه برای جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آید، تأکید کرده که مذاکره و پیشبرد صلح پایدار، آسان‌تر از جنگ نیست و وظیفه همه نهادهای نظامی و اجرایی، جریان‌های سیاسی و مدنی و عموم شهروندان این است که یکپارچه و هم‌صدا از این حرکت به موقع و پیش‌برندگان مذاکرات پشتیبانی کنند.

معاون اول رئیس‌جمهور در دولت یازدهم و دوازدهم نوشته است: «چشم‌اندازی تازه پیش‌روی ایران عزیز و ملت قهرمان گشوده شده است. تحقق آتش‌بس دو هفته‌ای پس از جنگ سوم تحمیلی، آن هم بدون دستیابی متجاوزان به اهدافشان، دستاوردی بزرگ و پیروزمندانه برای جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آید. بی‌تردید دستیابی به این آتش‌بس در نقطه اوج ۴۰ روز تجاوز، حملات بی‌امان و تهدیدهای گسترده دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی، حاصل دفاع بی‌نظیر و مقتدرانه نیروهای مسلح و مدافعان میهن، جان‌فشانی‌های افتخارآفرین آنان، حضور حماسی و غرورآفرین مردم زمانه‌شناس و نیز تلاش گسترده دولت و تدبیر موفق در مدیریت وضعیت جنگ است.

امروز روزی تاریخی است؛ روزی که با همت سربازان وطن و آگاهی ملت، نام ایران و تمدن ایرانی در جهان پراورده شد و خطری هولناک از سرزمین‌مان دور گردید. ایران سرافراز همچون دو جنگ تحمیلی ۸ ساله و ۱۲ روزه که در آنها قهرمانانه ایستاد و برای دستیابی به صلح پایدار، آتش‌بس را با تدبیر پذیرفت، این بار نیز از جنگی خانمان‌سوز سربلند بیرون آمد. اکنون کشور برای پایان‌بخشی عزتمندانه به جنگ و تثبیت اقتدار ملی با دیپلماسی فعال و هیأت مذاکره‌کننده‌ای قوی و کارآزموده وارد عرصه تلاش برای صلح پایدار و تأمین حقوق و منافع ملی شده است.

دو رهبر فقید، حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای در بزنگاه‌های تاریخی کشور را چنان هدایت کردند که جنگ و صلح، دو رویه اقتدار ایران و دو صورت واحد عزت، حکمت و مصلحت ملی باشند. اکنون نیز مقام معظم رهبری تصمیم خردمندانه ارکان قانونی کشور را در نقطه اوج مقاومت ملت ایران و ناکامی دشمنان پرقدرد و شریور در تحقق اهداف ویرانگرشان مورد تأیید و تصویب قرار دادند. حال وظیفه همه نهادهای نظامی و اجرایی، جریان‌های سیاسی و مدنی و عموم شهروندان است که یکپارچه و هم‌صدا از این اقدام عزتمندانه پشتیبانی کنند و با هر گرایش و دغدغه‌ای که دارند، پشت سر این حرکت به‌موقع و پیش‌برندگان مذاکرات بایستند و تهدیدات و تبلیغات داخلی و خارجی را در این مقطع بی‌اثر کنند. مذاکره و پیشبرد صلح پایدار آسان‌تر از جنگ و دفاع نیست؛ راهی پیچیده و پرفرازونشیب در پیش است و نیازمند عزمی واحد و صدایی واحد.

در مذاکرات باید هوشیار و دقیق بود، گره‌های فراوان را با سنجیدگی گشود و در همه حال مدافع اقدامات قانونی نظام بود. همچنین باید آماده بود که حتی پس از تحقق صلح پایدار نیز چالش‌های بزرگ قدیم و جدید پیش روی کشور و مردم قرار خواهد گرفت؛ چالش‌هایی که مقابله و حل آنها نیازمند عزم ملی، مدیریت ویژه، منابع مالی گسترده، صبر و بردباری فراوان و البته طراحی و برنامه‌ریزی دقیق است. ایران عزیز، به لطف خداوند و پشتیبانی مردم، این دوره را نیز پشت سر گذاشته و با اتخاذ رویکردهای نوین حکمرانی، جلب مشارکت عمومی، مدیریت هوشمندانه و روابط سازنده بین‌المللی به جایگاه شایسته تمدن و ملت خود دست خواهد یافت، ان‌شاء‌الله.

# اجماع محتاطانه

واکنش‌های داخلی به مذاکرات ایران و آمریکا؛ میان امید مشروط و بدبینی راهبردی



در سوی دیگر طیف، تقدای رسانه‌ای، به‌ویژه در روزنامه کیهان، تصویر متفاوتی ارائه می‌دهد. این روزنامه با نگاه انتقادی هشدار داد که تفکیک آمریکا از متحدانش یک خطای محاسباتی است و می‌تواند، راه فشارهای غیرمستقیم را باز بگذارد. دیدگاه کیهان، بازتاب بدبینی ساختاری نسبت به امکان پایبندی آمریکا به تعهدات و ضرورت بستن همه مسیرهای دور زدن توافق است.

در تکمیل این طیف تحلیلی، مواضع چهره‌های دیگری مثل قاسم روحانی، نماینده مجلس و عضو جبهه پایداری، قرائتی ایدئولوژیک‌تر اما همسو با «مذاکره از موضع قدرت» ارائه می‌دهد. او تأکید دارد که آتش‌بس، نتیجه شروط ایران است و آن را نه امتیازدهی بلکه نتیجه دستاوردهای میدانی می‌داند. در عین حال با تأکید بر راستی‌آزمایی محدود و بدون امتیاز یک‌طرفه و حفظ آمادهاش بر این خط قرمز پای می‌فشارد که دیپلماسی باید همراه با بازدارندگی باشد.

در مجموع، واکنش‌های داخلی نشان‌دهنده نوعی همراهی کلی است، هرچند اختلاف‌نظرهایی هم وجود دارد. همه از نمایندگان مجلس گرفته تا چهره‌های سیاسی و احزاب بر حمایت از تیم مذاکره‌کننده تأکید دارند اما نسبت به خوش‌بینی بیش از حد هشدار می‌دهند. برآیند این واکنش‌ها نشان می‌دهد که فضای داخلی ایران در قبال مذاکرات اسلام‌آباد را می‌توان «اجماع مشروط» نامید؛ اجماعی که بر اصل مذاکره توافق دارد اما نسبت به نتایج آن محتاط است. این وضعیت، همزمان که دست تیم مذاکره‌کننده را تقویت می‌کند، سطح انتظار از تحقق دستاوردهای ملموس را نیز بالا می‌برد. بنابراین مذاکرات پیش‌روی می‌تواند، فرصتی برای تبدیل برتری میدانی به دستاورد سیاسی باشد؛ به این معنا که موفقیت آن را نباید فقط در گرو رفتار واشنگتن دانست، بدون تردید، موفقیت در مذاکرات بیش از هر چیز به میزان انسجام داخلی، مدیریت انتظارات و توانایی حفظ توازن میان دیپلماسی و بازدارندگی وابسته خواهد بود.

تعییب و همدستانشان»، نشان می‌دهد که مشکل را در تصمیم‌سازی در واشنگتن می‌بیند. در گام بعد، موضع‌گیری محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، لایه‌ای ژئوپلیتیکی‌تر به تحلیل‌ها اضافه می‌کند. عارف هم‌روز گذشته با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس به زبان انگلیسی نوشت: «اگر ما در اسلام‌آباد با نمایندگان «اول آمریکا» مذاکره کنیم، دستیابی به توافقی که برای جهان مفید باشد، محتمل است». او تأکید کرد: «اما اگر با نمایندگان «اول اسرائیل» روبه‌رو شویم هیچ توافقی حاصل نخواهد شد؛ ما ناگزیر دفاع خود را حتی با شدت بیشتری نسبت به گذشته ادامه خواهیم داد و جهان با هزینه‌های بیشتری مواجه خواهد شد».

عارف با تفکیک میان نگاه نمایندگان آمریکا و نمایندگان اسرائیل تفاوت گذاشت و گفت، نتیجه مذاکرات به این بستگی دارد که کدام نگاه غالب باشد. به بیان ساده، اگر منافع ملی آمریکا مبنای باشد، توافق ممکن است؛ اما اگر ملاحظات منطقه‌ای غالب شود، مسیر سخت خواهد شد.

## مذاکره در سایه بازدارندگی

در سطح اجرایی، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، بر ترکیب «گفت‌وگو و اقتدار» تأکید کرد. او گفت که جمهوری اسلامی ایران نه از حقوق خود عقب‌نشینی می‌کند و نه کوتاه خواهد آمد و اعزام تیم دیپلماسی ایران به ریاست قالیباف را نشان از عزم ایران برای گفت‌وگو دانست. در ادامه، تأکید سخنگوی دولت بر عدم عقب‌نشینی از حقوق ایران در کنار تعبیر «دست به ماشه» بیانگر رویکردی است که می‌کوشد، پیام بازدارندگی را همزمان با پیام دیپلماسی منتقل کند.

در همین چارچوب، پیام علی‌اکبر ولایتی، بعد راهبردی‌تری به ماجرا می‌دهد. او این روند را «دیپلماسی مقتدرانه» توصیف و آن را ادامه دستاوردهای میدان معرفی کرد. نگاهی که مذاکرات را امتداد منطق بازدارندگی تعریف می‌کند.

## عاطفه شمس

گروه سیاسی



سه روز پس از آتش‌بس موقت میان تهران و واشنگتن، ورود هیأت بلندپایه ایرانی به اسلام‌آباد، صحنه‌ای برای بازتاب طیف متنوعی از واکنش‌های داخلی شد؛ واکنش‌هایی که در عین تفاوت بر یک محور مشترک یعنی «مذاکره از موضع قدرت، بدون خوش‌بینی ساده‌انگارانه» می‌چرخند. از تأکید دیپلمات‌های سابق بر ضرورت توافق تا هشدار جریان‌های منتقد نسبت به خلاهای راهبردی، فضای داخلی بیش از هر زمان دیگر ترکیبی از اجماع حداقلی و اختلاف تحلیلی را به نمایش گذاشته است.

## از دیپلماسی محتاط تا بدبینی راهبردی

در نخستین سطح واکنش‌ها، اظهارات محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه سابق کشورمان به‌عنوان چهره‌ای کلیدی در تجربه‌های پیشین مذاکره، پیامی دوگانه دارد؛ تأکید بر جدیت ایران و هشدار به طرف آمریکایی. ظریف در شبکه اجتماعی ایکس با تأکید بر اختیار و توانمندی سطح بالای تیم مذاکره‌ای ایران، نوشت: «ایران با اعزام معتبرترین و توانمندترین تیم خود به اسلام‌آباد، به‌رمغ به‌عهده‌های مکرر آمریکا، جدیت خود را نشان داد. امید است فراتر از هیاهو، دونالد ترامپ تنها راه خروج از باتلاقی که خود ساخته را درک کند؛ به توصیه‌های افراد تحت تعقیب و همدستانشان گوش ندهد و تا زمانی که هنوز فرصت دارد به یک توافق دست یابد».

ظریف با اشاره به توان تیم مذاکره‌کننده، تلاش دارد نشان دهد، ایران با وجود بی‌اعتمادی همچنان دیپلماسی را به‌عنوان یک ابزار عقلانی دنبال می‌کند. در عین حال، اشاره او به ضرورت پرهیز دونالد ترامپ از گوش دادن به «افراد تحت

## خبر

# قربانی مادر

آمریکا اقامت عیسی هاشمی، فرزند معصومه ابتکار را لغو و دستور اخراج او و خانواده‌اش را صادر کرد

**گروه سیاسی:** تا پیش از جنگ ایران و آمریکا همچنین انتشار خبرهایی درباره لغو تابعیت فرزندان و خانواده برخی مسئولان ایرانی از سوی آمریکا، این انتقاد در جامعه و فضای سیاسی و رسانه‌ای ایران به‌طور گسترده مطرح بود که چرا فرزندان مسئولان، زندگی در خارج از کشور را به مانع در ایران ترجیح می‌دهند. این موضوع در نگاه بخشی از افکار عمومی به یک امتیاز و فاصله طبقاتی میان مسئولان و مردم تعبیر می‌شد. حتی در برخی موارد، سیاست‌های دوگانه کشورهای میزبان نیز محل انتقاد بود؛ از جمله این پرسش که چگونه این کشورها از یک‌سو تحریم‌ها را علیه ایران اعمال می‌کنند و از سوی دیگر، فرزندان برخی مسئولان ایرانی در همان کشورها اقامت دارند. با این حال به‌نظر می‌رسد در شرایط کنونی فضای تغییر کرده است؛ چراکه تا پیش از افزایش تنش‌ها و تحولات پس از جنگ و درگیری‌های منطقه‌ای، این موضوع کمتر از سوی کشورهای غربی به‌عنوان ابزار سیاسی مورد استفاده قرار می‌گرفت اما در دوره جدید، این مسئله بیش از گذشته وارد معادلات فشار سیاسی شده است.

حالا در تازه‌ترین مورد، خبر لغو اقامت دائم سیدعیسی هاشمی (فرزند معصومه ابتکار)، همسر و فرزندش در آمریکا

منتشر شده است؛ اقدامی که طبق گزارش‌ها به دستور مارکو رویو، وزیر خارجه آمریکا انجام شده و منجر به بازداشت این افراد توسط اداره مهاجرت آمریکا برای اخراج شده است. هاشمی سال ۲۰۱۴ با ویزا وارد آمریکا شد و سال ۲۰۱۶ اقامت دائم گرفت. در بیانیه‌های رسمی واشنگتن، دلیل این تصمیم



«ارتباط با حکومت ایران» و «سوابق سیاسی خانوادگی» عنوان شده است؛ موضوعی که در سال‌های اخیر بارها در سیاست مهاجرتی آمریکا علیه برخی اتباع ایرانی تکرار شده است. در همین بیانیه‌ها همچنین به پیشینه سیاسی معصومه ابتکار و نقش او در تسخیر سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸

اشاره شده است. این پرونده اما تنها مورد اخیر نیست. در ماه‌های گذشته نیز خبرهایی از لغو اقامت یا محدود شدن وضعیت مهاجرتی برخی افراد دیگر منتشر شده است؛ از جمله لغو اقامت حمیده افشارسلیمانی و فرزندش همچنین پرونده فاطمه اردشیرلاریجانی و همسرش. در تمامی این موارد، مقام‌های آمریکایی بر «ارتباط خانوادگی با سیاسی یا چهره‌های ایرانی» تأکید کرده‌اند. با این حال درباره یکی از پرونده‌های مرتبط با خانواده سردار قاسم سلیمانی نیز حاشیه‌هایی مطرح شد. درحالی که برخی گزارش‌ها این افراد را «نوه یا خواهرزاده» او معرفی کرده بودند، نجس سلیمانی، دختر سردار سلیمانی این نسبت خانوادگی را تکذیب و اعلام کرده است چنین ارتباطی میان آنها وجود ندارد. این موضوع باعث شد، بخشی از روایت‌های اولیه درباره این پرونده با ابهام و تردید روبه‌رو شود. اما از نگاه منتقدان، این نوع تصمیم‌ها بیش از آنکه ماهیت حقوقی داشته باشد، رنگ و بوی سیاسی دارد. به تعبیر دیگر مسئله‌ای که در سال‌های اخیر بارها به‌عنوان یک مطالبه و پرسش در افکار عمومی مطرح شده بود حالا به‌عنوان ابزاری برای فشار سیاسی بر ایران برجسته شده است.

# ملاقات تاریخی

## رهبر مخالفان تایوان به دیدار رئیس جمهور چین رفت



خارجی در آن تأکید کرده به طور کامل با هدف بلندمدت پکن هماهنگ است: منزوی کردن تایوان از حمایت‌های امنیتی غرب. در نهایت، اگرچه این دیدار تغییرات رسمی در سیاست‌ها به همراه نداشت اما اثر سیاسی آن قابل توجه بود. پکن موفق شد، حزب KMT را به عنوان مخاطب مورد علاقه خود احیا و فضای دوگانه ایجاد کند: دولت رسمی تاییه با کشتی‌های جنگی و تهدیدهای خاموش روبرو می‌شود در حالی که اپوزیسیون با استقبال فرش قرمز مواجه است. برای مردم تایوان، این دیدار تصویری روشن از گزینه‌ها ارائه می‌دهد: وعده صلح KMT مبتنی بر مفهوم «یک خانواده» یا تأکید DPP بر هویت مستقل و حاکمیتی. در شرایطی که مانورهای نظامی اطراف جزیره، کمتر شبیه تمرین و بیشتر شبیه آماده‌سازی واقعی به نظر می‌رسند، موفقیت واقعی تلاش شی برای تأثیرگذاری بر تایوان نه از طریق دست دادن و آشتی بلکه از طریق توانایی این «اماموریت صلح» در تضعیف اراده مردم برای حفظ وضعیت موجود و دفاع سنجیده، سنجیده خواهد شد.

دست دادن حاکمیت است». این اختلاف، شکافی بنیادین در سیاست تایوان را نشان می‌دهد: جایی که KMT گفت‌وگو را سپر اصلی در برابر درگیری می‌داند، در حالی که DPP قدرتمند و اتحاد‌های بین‌المللی را تنها عامل بازدارنده واقعی می‌بیند.

زمان‌بندی این دیدار به اندازه محتوای آن اهمیت داشت. این جلسه تنها چند هفته پیش از ملاقات برنامه‌ریزی شده شی جین‌پینگ با رئیس جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، برگزار شد؛ دیداری که احتمالاً تایوان محور اصلی اختلاف خواهد بود. با گرفتن تأیید عمومی KMT نسبت به اصل «چین واحد» در این مقطع، شی موفقیت خود را در مذاکرات پیش‌رو با واشنگتن تقویت می‌کند. او می‌تواند KMT را به عنوان نماینده «صدای واقعی» مردم تایوان نشان دهد، کسانی که خواهان ثبات و هماهنگی با سرزمین اصلی هستند و در مقابل، فروش تسلیحات آمریکا را اقدامی تحریک‌آمیز معرفی کند که نظم محلی را برهم می‌زند. این استراتژی «صفحه شطرنج» که خود شی نیز بر اجتناب از دخالت

مسا را جدا کند» و اینکه دو طرف «به واسطه خون بهم پیوند دارند» شی مسئله تایوان را نه به عنوان یک اختلاف ژئوپلیتیکی بلکه به عنوان مسئله‌ای خانوادگی که موقتاً تحت تأثیر «دخالت خارجی» قرار گرفته، مطرح کرد. این تعبیر، انتقادی پنهان از روابط دفاعی رو به رشد تایوان و آمریکا است، به ویژه در شرایطی که دولت لای در تلاش برای جذب ۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در تجهیزات پیشرفته برای جلوگیری از محاصره یا تهاجم احتمالی است. استعاره «خانواده» شی به نوعی تلاش دولت تایوان برای خودمختاری را کودکانه جلوه می‌دهد و آن را شورش علیه نظم طبیعی می‌داند که به چشم پکن KMT پیش از دولت فعلی آن را محترم می‌شمرد.

حضور چنگ لسی-وون در پکن، با این حال ریسک بالایی برای حزبی دارد که در حال حاضر کمتر از یک سوم حمایت مردمی در تایوان را داراست. در طول جلسه، چنگ شدیداً بر «توافق ۱۹۹۲» تکیه داشت، توافقی مبهم که براساس آن هر دو طرف به یک چین تعلق دارند اما تفسیر آن متفاوت است. درخواست او برای «اماموریت صلح» و «داخل نظام‌مند برای جلوگیری از جنگ» برای جذب افکار عمومی تایوان طراحی شده که از مانورهای نظامی و فشارهای اقتصادی خسته شده‌اند. با این حال، تصویر دیدار قبلاً به منتقدان او در داخل کشور سوخت داده است. رئیس جمهور لای سریعاً علیه این روایت موضع گرفت و اظهار کرد: «سازش با قدرت‌های استبدادی تنها به قیمت از

**گروه بین‌المللی:** دیدار رئیس‌جمهور چین، شی جین‌پینگ، با چنگ لی-وون، رهبر اصلی اپوزیسیون تایوان یعنی حزب کومینتانگ، در تاریخ ۱۰ آوریل ۲۰۲۶ در سالن بزرگ خلق پکن، جلوه‌ای از نمایش سیاسی حساب‌شده و حرکتی استراتژیک برای بازتعریف روایت روابط دو سوی تانگ تایوان محسوب می‌شود. این ملاقات نادر که نخستین دیدار رؤسای فعلی حزب کمونیست چین و کومینتانگ پس از بیش از یک دهه به‌شمار می‌رود، در شرایط ناپایداری شدید منطقه‌ای انجام شد و عملاً دولت منتخب دموکراتیک تاییه را دور می‌زند تا تصویری از وحدت «یک خانواده» ارائه دهد. شی جین‌پینگ با میزبانی از چنگ، درست در روزی که رئیس‌جمهور تایوان، لای چینگ-ته، چهل و هفتمین سالگرد قانون روابط تایوان با ایالات متحده را جشن می‌گیرد به‌طور استراتژیک از KMT به عنوان کانالی برای ارسال پیام هم به مخاطبان داخلی و هم به واشنگتن بهره برد. این دیدار نشان‌دهنده استراتژی مداوم حزب کمونیست چین است: مشروعیت‌زدایی از حزب دموکراتیک پیشرو تایوان با نشان دادن اینکه پکن حاضر است گفت‌وگو کند اما تنها با کسانی که به چارچوب «چین واحد» پایبندند.

شی جین‌پینگ در این جلسه با بهره‌گیری از نمادگرایی سالن بزرگ خلق، عمق تاریخی و اجتناب‌ناپذیری اهداف خود را به نمایش گذاشت. سخنان او به‌طور گسترده بر «احیای بزرگ ملت چین» تمرکز داشت که اساس ایدئولوژی سیاسی اوست. با بیان اینکه «هیچ نیروی نمی‌تواند

ادامه تیتیر یک

آمریکا

## دفاعیات ملانیا

### رد ارتباط با اپستین

ملانیا ترامپ، بانوی اول آمریکا، هرگونه ارتباط با جفری اپستین را رد کرد و به خبرنگاران در کاخ سفید گفت که هرگونه ادعایی که این دو را به هم مرتبط می‌کند «باید از همین امروز پایان یابد».

او همچنین در اقدامی غیرمنتظره خواستار برگزاری جلسات استماع در کنگره برای نجات‌یافتگان قاچاق جنسی جفری اپستین شد. او همچنین شایعات منتشر شده در فضای مجازی مبنی بر اینکه جفری اپستین، او را به دونالد ترامپ معرفی کرده است، رد کرد و آنها را «تلاش‌هایی بدخواهانه برای تخریب اعتبار من» خواند. این اقدام ملانیا ترامپ واکنش‌های متفاوتی از سوی نجات‌یافتگان شبکه قاچاق جنسی جفری اپستین برانگیخته است. لیزا فیلیس، یکی از این افراد، این بیانیه را «حرکتی جسورانه» توصیف کرد اما این پرسش را مطرح کرد که بانوی اول چه اقدامات بیشتری می‌تواند برای حمایت از شاکیان پرونده جفری اپستین انجام دهد. هیچ نشانه‌ای از پیش از سوی دفتر بانوی اول آمریکا وجود نداشت که او قصد دارد درباره جفری اپستین، بیانیه‌ای صادر کند و کاخ سفید نیز زمانی که سخنان او را در برنامه روزانه قرار داد، موضوع آن را از پیش اعلام نکرد.

دونالد ترامپ به یک رسانه خبری گفت که از قبل از بیانیه همسرش اطلاعی نداشته است. در همین حال روزنامه نیویورک تایمز به نقل از سخنگوی ملانیا ترامپ، گزارش داد که ترامپ می‌دانست بانوی اول قصد دارد بیانیه‌ای صادر کند اما بعداً گفته شد، مشخص نیست که آیا او از موضوع سخنان آگاه بوده است یا نه.

ملانیا ترامپ گفت که او قربانی اپستین نبوده و تنها در سال ۲۰۰۰ به‌طور کوتاه با او «برخوردی گذرا» داشته است. او گفت: «هرگز هیچ اطلاعی از سوءاستفاده‌های اپستین از قربانیانش نداشته‌ام. هرگز به هیچ شکلی درگیر نبوده‌ام. من مشارکتی نداشته‌ام». او همچنین آشفتگی با گیلین مکسول، همدست محکوم شده جفری اپستین را رد کرد. ملانیا ترامپ به یک نامه الکترونیکی در سال ۲۰۰۲ میان خود و گیلین مکسول که در پرونده‌های اپستین منتشر شده، اشاره کرد و آن را چیزی جز «مکتبانه معمولی» و «پاسخی مؤبدانه» ندانست.



در عین حال، داده‌های سایت‌های بین‌المللی ردیابی کشتی‌ها نشان می‌دهد که در طول مذاکرات، عبور و مرور تجاری در تنگه هرمز به جریان افتاده و دست‌کم ۲۰ کشتی در این آبراه در حال تردد هستند که می‌تواند نشانه‌ای از روند مثبت گفت‌وگوها باشد. وال استریت ژورنال نیز به نقل از سه مقام آمریکایی گزارش داد که دو ناوشکن موشک‌انداز نیروی دریایی آمریکا بدون حادثه از تنگه هرمز عبور کرده‌اند، این اولین عبور بدون حادثه از زمان آغاز جنگ ایران محسوب می‌شود.

مرحله اول مذاکرات با تمرکز بر مسائل کلیدی پایان یافت و دو طرف به سمت تدوین متن مکتوب و بررسی جزئیات اجرایی آن حرکت کردند. به نظر می‌رسد که مذاکرات در این مقطع به پایان نرسد و بررسی‌های دقیق‌تری برای حصول توافق انجام شود. مذاکرات هیات‌های ایرانی و آمریکایی پیش از ساعت ۱۷:۳۰ به وقت اسلام‌آباد آغاز شد و در میانه گفت‌وگوها، دقایقی برای مشورت و تفحص متوقف شد. پس از آن، مذاکرات دوباره ادامه یافت و هنوز خبری مبنی بر پایان رسمی آن منتشر نشده است اما شواهد نشان می‌دهد، گفت‌وگوها با جدیت و تمرکز همچنان در جریان است و هر دو طرف برای رسیدن به توافق تلاش می‌کنند. رسانه‌های بین‌المللی از جمله سی‌ان‌ان در رابطه با مذاکرات نوشتند که پس از ۴۷ سال تخاصم به نظر می‌رسد، طرف‌ها به سمت یک توافق حرکت می‌کنند. اگرچه رسانه‌هایی چون فایننشال تایمز از اختلاف‌نظر بر سر تنگه هرمز خبر می‌دهند اما روند کلی از یک دورنمای مثبت پس از ۴۰ روز جنگ و درگیری حکایت دارد.

به هر روی، باید تا ساعاتی دیگر منتظر ماند و دید که خروجی نهایی این مذاکرات چه خواهد شد.

شرایطی پشت مردم خواهد ایستاد.

گزارش‌ها از اسلام‌آباد نشان می‌داد که خوش‌بینی نسبت به موفقیت مذاکرات وجود دارد و هیات‌های دو طرف با واکنش‌های مثبت و تعامل سازنده به موضوعات پاسخ می‌دهند. با این حال، مانع اصلی، توجه طرف آمریکایی به منافع اسرائیل بود که می‌توانست، روند مذاکرات را پیچیده کند. کارشناسان رسانه‌ای بر این باورند که آمریکایی‌ها در تلاشند، مذاکرات بدون نتیجه به پایان نرسد و اولویت‌بندی «منافع آمریکا اول» همچنان محور تصمیم‌گیری‌های آن‌هاست.

همزمان با آغاز مذاکرات، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در شبکه اجتماعی تروث سوشال اعلام کرد که ایران در این درگیری «به‌شدت در حال باختن» است. او مدعی شد که رسانه‌ها تمایل دارند، موفقیت ایران را برجسته کنند اما واقعیت این است که نیروهای دریایی و هوایی ایران آسیب جدی دیده و سامانه‌های پدافند هوایی، رادارها و کارخانه‌های موشکی و پهپادی آنها تا حد زیادی تخریب شده است. ترامپ همچنین از تجهیزات پیشرفته مین‌روبی آمریکا که به تنگه هرمز منتقل شده، خبر داد و مدعی شد نیروهای آمریکایی آماده پاک‌سازی مین‌های دریایی در این منطقه هستند.

از سوی دیگر، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، اظهار کرد که کشور در برهه‌ای حساس از تاریخ خود، درگیر مبارزه دیپلماتیک است و دیپلماسی کنونی به‌نوعی ادامه دفاع و جنگ محسوب می‌شود. وی به مردم اطمینان داد که فرزندان ایران در دستگاه دیپلماسی همانند مدافعان وطن با تمام توان برای حفظ دستاوردها و دفاع از کیان کشور تلاش می‌کنند.

## مسیر سخت صلح

هیات ایرانی به ریاست محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و با حضور شخصیت‌های کلیدی همچون سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه و علی باقری، معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی در این مذاکرات حاضر شد. در آن سو جی دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، استیو ویتکاف، نماینده ویژه دونالد ترامپ و جارد کوشنر، داماد ۴۵ ساله دونالد ترامپ ترکیب اصلی تیم مذاکرات آمریکا را تشکیل دادند.

رسانه‌های بین‌المللی، از جمله آسوشیتدپرس، از برگزاری این دیدار به‌عنوان رویدادی بی‌سابقه یاد کردند که در آن، عالی‌ترین مقام‌های دو کشور حضور یافته‌اند و گفت‌وگوها با جدیت و تمرکز کامل دنبال می‌شود. تمرکز اصلی مذاکرات بر تحقق آتش‌بس در لبنان، کاهش تنش‌ها در منطقه و آزادسازی دارایی‌های ایران بود. آمریکا به‌طور مشروط با آزادسازی این دارایی‌ها موافقت کرده بود و موضوع نیازمند بررسی‌های کارشناسی و فنی دقیق‌تر بود به همین دلیل مذاکرات در اسلام‌آباد برای نهایی کردن این مسائل آغاز شد. ایران بر این باور است که آتش‌بس در لبنان هنوز به‌طور کامل محقق نشده و آمریکا باید اسرائیل را ملزم به اجرای تعهدات خود کند. هیات ایرانی با دقت و جدیت، این موضوع را از طریق واسطه پاکستانی و در اتاق مذاکرات پیگیری کرد و با توجه به تجربه‌های پیشین از بدعهدی‌های آمریکا، بدبینی معقولی نسبت به طرف مقابل داشت. مذاکرات با حضور کمیته‌های تخصصی اقتصادی، نظامی، حقوقی و هسته‌ای انجام شد و به‌نظر می‌رسد، آتش‌بس در بیروت نیز جزئی از روند گفت‌وگوها باشد که آمریکا با آن موافقت ضمنی کرده است.

محمد گلزاری، دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت، گزارش داد که کمیته‌های مختلف ایرانی از صبح روز مذاکرات چندین جلسه برگزار و مواضع خود را هماهنگ کردند تا هیات آماده آغاز گفت‌وگوها شود. همچنین تماس‌های مداوم با سفیر ایران در لبنان برای راستی‌آزمایی توقف حملات و تذکر جدی به موارد نقض آتش‌بس و فراهم کردن آزادسازی دارایی‌ها انجام شد و این موارد به‌عنوان مقدمات مهمی برای آغاز مذاکرات سه‌جانبه مطرح شد.

در این میان، امانوئل مکرور، رئیس‌جمهور فرانسه نیز با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، تماس گرفت و از وی خواست تا از فرصت مذاکرات اسلام‌آباد برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای و هموار کردن مسیر صلح پایدار استفاده کند. مسعود پزشکیان نیز تأکید کرد که هیات ایرانی با تمام توان حافظ منافع ملی کشور است و شجاعانه به دنبال تثبیت دستاوردهای ایران خواهد بود. وی همچنین خاطر نشان کرد که خدمت به مردم لحظه‌ای متوقف نمی‌شود و دولت در هر

گزارش

## هنر آخرین راه نجات است

وجه مشترک هنر جنگ تحمیلی سوم  
با دیگر ادوار

در دومین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی جنگ رمضان با عنوان «پیامدها و تأثیرات جنگ بر زیباشناسی هنرهای دیداری» در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، برگزار شد. در این نشست که با همکاری پژوهشکده هنر و انجمن انسان‌شناسی ایران، از ساعت ۱۳ تا ۱۵ چهارشنبه ۱۹ فروردین به صورت برخط برگزار شد، مهدی خانکه، عضو هیأت‌علمی دانشگاه هنرهای اسلامی ایران استاد فرشچیان و محمدرضا وحیدزاده، عضو هیأت‌علمی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، به سخنرانی پرداختند و اسماعیل پناهی، پژوهش‌گر و مدرس فلسفه هنر نیز دبیری علمی این نشست را برعهده داشت.

### هنر مقاومت

مهدی خانکه در آغاز نشست با تحسین مردم ایران و بیان این که مقاومت در جنگ خود نوعی از هنر است که باید آن را ستود، گفت: «پیش از هر چیز باید بگوییم آن چه این روزها و شب‌ها در خیابان‌ها می‌بینیم هنر است، آن چه مردم ایران انجام می‌دهند و صحنه‌هایی که خلق می‌کنند خود می‌تواند دستمایه خلق آثار هنری باشد.» او در ادامه با اشاره به تاریخ زیبایی‌شناسی، اضافه کرد: «ماهیت ادراک زیبایی‌شناسی و مرادفات زیبایی، نگاه تلفیقی در زیبایی‌شناسی ایجاد می‌کند و در کنار آن هر امر زیبا ایجاد می‌شود و آنگاه گزاره زیباشناسانه شکل می‌گیرد.» خانکه با اشاره به زیبایی‌شناسی کانت گفت: «در اندیشه کانت، بخشی به گزاره زیبا و بخشی به صادرکننده موضوع زیباشناسانه باز می‌گردد، این به معنی درک دو جانبه زیبایی است اما در تئوری‌هایی جدید دوباره به موضوع زیست بوم زیبایی بازگشته‌ایم و زیبایی را دوباره به گزاره امر زیبا مربوط می‌دانند و می‌گویند که امر زیبا خود باید زیبا باشد و درک زیباشناسانه‌ای از آن اثری در زیبایی‌اش ندارد.» این استاد دانشگاه با اشاره به تفکر ایرانی در زیبایی‌شناسی بیان کرد: «برای ما همواره زیبایی عالم صغیر و عالم کبیر، زیبایی درون و بیرون، در کنار هم معنا داشته است و روح زیبا را در کنار جسم زیبا درک کرده‌ایم و در نظر گرفته‌ایم. عرفای ایرانی نیز همواره بر این دیدگاه تأکید کرده‌اند که امر زیبا از درون زیبا سرچشمه می‌گیرد و درون ناآرام مانع دیدن زیبایی‌های بیرون نیز می‌شود.» محمدرضا وحیدزاده، عضو هیأت‌علمی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی که در یکی از مدارس آسیب‌دیده در جنگ تحمیلی سوم، با گروهی از هنرمندان به ساخت یک اثر هنری مشغول بودند، با اشاره به یکی از آثار مکتوب خود که درباره سپهر نشانه‌های هنر انقلاب است، اظهار کرد: «هنر جنگ در این دوره به دلیل احوالات و شرایط، با وجود فاصله شباهت زیادی با هنر انقلاب اسلامی و جنگ هشت ساله دارد.» او با شمردن دفاع مقدس یک، دو و سه گفت: «چیزی که در آثار هنری هر سه دوره وجود دارد، حماسه است، حماسه‌ای که متأثر از گرمای جنگ و فداکاری است. این حماسه‌سرایی در هنر را در خطوط تیز، تاش‌ها و ضربات قلم روی بوم یا حجم‌های هنری خود را نشان می‌دهد، به همین دلیل است که برای درک هنر دفاع مقدس، درک دقیق دقائق و ظرافت ظرائف موضوعات اهمیت دارد.» در بخش دیگری از نشست، مهدی خانکه، درباره هنرمندانی که در جنگ رمضان به تولید آثار هنری پرداخته بودند سخن گفت و آثار محسن چاوشی، رضا صادقی را ستود و تأثیر هنری برخی از نامداران در هنرهای تجسمی و شاعران را قابل توجه دانست. وحیدزاده نیز در بخش پایانی سخنران خود، اظهار کرد: «هنر به ما کمک می‌کند که به معانی وسیع‌تری از زندگی دست پیدا کنیم، مردمی که در زندگی جاری غرق شده‌اند، با هنر به عمق می‌روند. یکی از ویژگی‌های هنر، نشان دادن عواطف مختلف انسانی است، اکنون که رسانه‌ها پرزنگ شده‌اند و همه چیز را خطی، فرمولیزه، کوچک و تک بعدی کرده‌اند، هنر آخرین راه نجات است. اکنون با جنگ دیگری که مردم ایران را به مرحله دیگری از وطن‌دوستی برده است، باید در عرصه هنر منتظر رویدادهای مهمی باشیم.»

### هنر التیام‌بخش

پدیده جنگ از مهم‌ترین واقعیت‌های معاصر بشر است که تأثیرات عمیق و همه‌جانبه بر اجتماع، سیاست و فرهنگ جوامع بشری گذاشته است. هنر، به عنوان زبان خلاقیت جمعی، نه تنها بازتاب‌دهنده وقایع و مصائب جنگ‌ها بوده، بلکه بستری نقادانه، آفاکار و حتی التیام‌بخش برای جوامع بحران‌زده فراهم آورده است. در سده بیستم و بیست‌ویکم، رابطه میان هنر و جنگ، با مرزهای ایدئولوژیک، رسانه‌ای و تجربی پیچیده‌تر شده است؛ هنرمندان در جایگاه شاهد، قربانی، معترض و حتی درمانگر، سهمی بی‌بدیل در بیان حقیقت جنگ و شکل‌دهی افکار عمومی یافته‌اند. رابطه هنر و جنگ در دوره مدرن و معاصر، از مستندسازی صرف یا تبلیغات رسمی فاصله گرفته و به ابزاری برای نقد خشونت، همدردی اجتماعی و تحریک تغییرات اجتماعی بدل شده است. تا پیش از قرن بیستم، بیشتر آثار هنری مرتبط با جنگ در خدمت بازنمایی پیروزی‌ها، قهرمانان و ارزش‌های سلطنتی یا قومی قرار داشتند، گرچه در برخی نمونه‌ها رنج و تراژدی انسانی نیز بازتاب می‌یافت. در این دوران، نقاشی‌های دیواری و آثار هنری همچون نقش‌برجسته‌های تخت‌جمشید یا نسخه‌های مصور شاهنامه، بیش از هر چیز بر نقش دولت‌ها، پهلوانان و ارزش‌های اخلاقی پیروز در جنگ‌ها تأکید داشتند. اما با رخداد جنگ‌های ویرانگر قرن بیستم، به‌ویژه جنگ جهانی اول و دوم، هنرمندان دریافته‌اند که جنگ تنها عرصه قهرمانی و پیروزی نیست، بلکه عرصه رنج، نابودی، ازهم‌پاشیدگی اجتماعی و تراژدی انسانی است. این دگرگونی نگرش باعث شد تا آثار هنری به جای بازنمایی صرف پیروزی‌ها و اسطوره‌سازی، به‌سوی مستندسازی واقع‌گرایانه و حتی انتقادی از فجایع جنگی و مصائب غیرنظامیان حرکت کند.



# روایت‌گر بزرگ

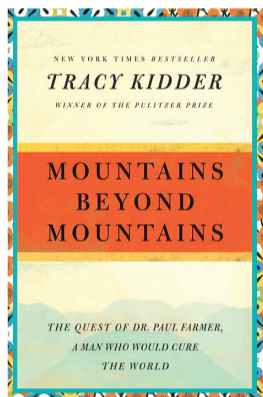
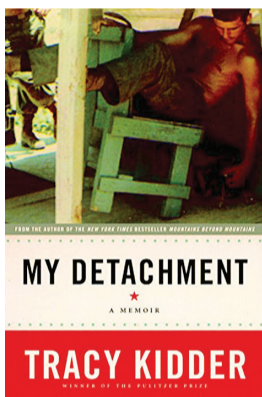
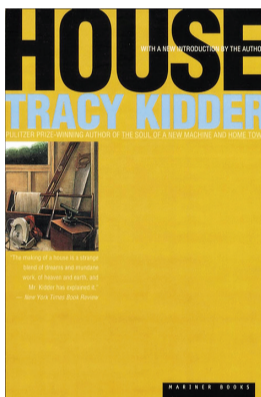
تریسی کیدر نویسنده برنده پولیتزر درگذشت

تریسی کیدر، نویسنده برنده جایزه پولیتزر که روایت‌های غیرداستانی درباره همه چیز- از مهندسی کامپیوتر گرفته تا زندگی در خانه سالمندان- را به کتاب‌های پرفروش باورنشدنی بدل کرد، در ۸۰ سالگی درگذشت. پسر تریسی کیدر به خبرنگاری آسوشیتدپرس گفت پدرش بر اثر سرطان ریه درگذشته است.

### غوطه‌ور در سوز

کیدر جایزه پولیتزر و جایزه ملی کتاب را برای کتابی که سال ۱۹۸۱ با عنوان «روح یک ماشین جدید» منتشر کرد، دریافت کرد. او در این کتاب به کار یک شرکت کامپیوتری نوپا، مدت‌ها پیش از آن‌که مردم به سازوکار داخلی سیلیکون ولی اهمیت بدهند، پرداخته بود. کیدر آن زمان گفته بود: «مثل این بود که به یک کشور دیگر رفته باشی. اولش اصلاً نمی‌فهمیدم چه می‌گویند!» در طول دهه‌های

بعد، کیدر خود را بارها در دنیاهایی غرق کرد که پیش از آن درکی از آن‌ها نداشت و کتاب‌هایی غنی و تحقیق‌شده درباره موضوعاتی نوشت که شاید خواندنشان آسان به نظر نمی‌رسید. سبک کاری کیدر در طول چهار دهه فعالیت حرفه‌ای‌اش همواره بر پایه «غوطه‌وری در سوز» استوار بود. برای نگارش کتاب «در میان دانش‌آموزان» در سال ۱۹۸۹، او یک سال کامل را در یک کلاس درس کلاس پنجم در منطقه محروم هالیوک ماساچوست گذراند تا بتواند فداکاری‌های خاموش یک معلم را به تصویر بکشد. برای کتاب «دوستان قدیمی» در سال ۱۹۹۳، او به جنبه سخت‌پیر شدن در آمریکا پرداخت و در عین حال نشان داد چگونه دو دوست با وجود ناتوانی‌هایشان، عزت نفس خود را در یک خانه سالمندان حفظ می‌کنند. کیدر به آسوشیتدپرس گفت تبدیل رویدادهای خانه سالمندان نورث‌همپتون به یک روایت منسجم، از چالش‌های اصلی



### جشنواره کن

## بازگشت فرهادی

داستان‌های موازی در مسیر نخل طلا

اصغر فرهادی فیلمساز مطرح ایرانی و برنده دو جایزه اسکار، یکی از سرشناس‌ترین کارگردانان حاضر در جشنواره کن ۲۰۲۶ است.

صبح روز پنج‌شنبه، فهرست فیلم‌های حاضر در جشنواره فیلم کن اعلام شد و در میان شرکت‌کنندگان اسامی مطرحی چون اصغر فرهادی، پدرو آلمودوار، کریستیان مونگیو، هیروکازو کوره‌ادا و ایرا ساکس دیده می‌شوند. اما فرهادی تنها نام ایرانی حاضر در کن ۲۰۲۶ نیست. پگاه آهنگرانی نیز در این جشنواره با فیلم «تمرین‌هایی برای یک انقلاب» در بخش نمایش ویژه حضور دارد. در این بخش استیون سودربرگ و ران هاوارد با مستندهایی درباره جان لنون و ریچارد آودون حضور پیدا می‌کنند.

### کن دور از هالیوود

جشنواره فیلم کن، امسال تمرکز ویژه‌ای بر سینمای مؤلف خواهد داشت، به‌طوری‌که کارگردانی چون اصغر فرهادی، پدرو آلمودوار، پاول پاولیکوفسکی، ایرا ساکس، هیروکازو کوره‌ادا، لازلو نمش و ریوسوکه هاماکوچی همگی فیلم‌های جدید خود را در بخش مسابقه برای نخستین‌بار به نمایش می‌گذارند. پس از دوره ۲۰۲۵ که هالیوود حضور پرزنگی داشت، از جمله فیلم «مأموریت غیرممکن: حساب نهایی» با بازی تام کروز و «بالاترین پایین‌ترین» ساخته اسپایک لی، امسال کن تحت‌سلطه سینمای بین‌المللی و فیلمسازان مستقل خواهد بود. در واقع، ایرا ساکس تنها کارگردان آمریکایی حاضر در بخش مسابقه است، با فیلم «مردی که دوستش دارم»؛ یک فانتزی موزیکال با بازی رامی مالک که به بحران ایدز در نیویورک دهه ۱۹۸۰ می‌پردازد.

از جمله فیلم‌های بخش مسابقه با بیشترین حضور ستاره‌ها، می‌توان به فیلم «داستان‌های موازی» ساخته اصغر فرهادی و با بازی ایزابل هوبر و کاترین دنوو اشاره کرد. «فیورد» نخستین

او بود. او گفت: «در حالی که آنجا اتفاق زیادی نمی‌افتد، اما فکر می‌کنم وقتی آن را می‌خوانید، احساس می‌کنید اتفاق‌های زیادی دارد رخ می‌دهد؛ چیزهای کوچکی که اهمیت زیادی می‌یابند.» در سال ۲۰۰۳، کیدر «کوه‌های آن سوی کوه‌ها» را درباره تلاش یک پزشک برای آوردن مراقبت‌های بهداشتی به هائیتی نوشت. با این اثر، کیدر با نسل جدیدی از خوانندگان خود ارتباط برقرار کرد، زیرا دانشگاه‌های متعددی این کتاب را به فهرست کتاب‌های پیشنهادی خود اضافه کردند.

کتاب «خانه» تریسی کیدر درباره آدم‌هاست، نه نقشه‌های طبقات. تنش‌ها با مشاخره پیمانکار و مشتری بر سر مصالح کم، بالا می‌گیرد. جست‌وجوی معمار برای یک طرح ایده‌آل و انتخاب جزئیات تزیینی توسط مشتری، حس فوریت فزاینده‌ای به خود می‌گیرد. با پیش رفتن هر صحنه، آشکار می‌شود که «خانه» فقط داستان یک ساختمان نیست: پروژه ساختمانی چارچوبی است برای کاوش در مورد اینکه وقتی یک متر را در حال کار روی یک رویا قرار می‌دهیم چه اتفاقی می‌افتد. اگرچه «خانه» مانند یک رمان است، اما شامل اطلاعات فنی کافی برای ارضای کنجکاوی معمار خواننده هم است. تریسی کیدر در مورد اقتصاد مسکن، خواص چوب، سبک‌های معماری نیوانگلند، آیین‌های ساختمان‌سازی یهودیان، جامعه‌شناسی ساختمان‌سازی و توسعه معماری به عنوان یک حرفه تحقیق کرده است. بحث کیدر در مورد اهمیت سبک‌های احیای یونان در آمریکا می‌تواند به تتهایی به عنوان یک مرجع کلاسی مطرح باشد. با این حال، به عنوان گواهی بر مهارت کیدر، جزئیات فنی «طرح»

فیلم انگلیسی‌زبان کریستیان مونگیو با بازی زتانه رینسوه و سباستین استن؛ «سرزمین پدری» درام جنگ سرد ساخته پاولیکوفسکی با بازی ساندرا هولر؛ «امید» ساخته نا هونگ-جین با بازی مایکل فاسبندر و آلیسیا ویکاندر؛ «محبوب» ساخته رودریگو سوروگین با بازی خاویر باردیم در نقش یک کارگردان مشهور که از دخترش جدا افتاده و «کریسمس تلخ» پدرو آلمودوار، کمدی-تراژدی اسپانیایی‌زبان از جمله این فیلم‌ها هستند. در جشنواره کن امسال ۲۵۴۱ فیلم بلند از ۱۴۱ کشور حاضر هستند که هزار فیلم بیشتر از جشنواره کن طی ۱۰ سال اخیر است. ایریس کنولوخ، رئیس جشنواره کن، بعد از اعلام اسامی فیلم‌ها به شرایط ناپایدار جهان اشاره کرد و گفت: «اخبار جهانی چندان اطمینان‌بخش نیست و برخی می‌پرسند در چنین شرایطی صحبت درباره سینما چه فایده‌ای دارد؟ اما وقتی جهان دچار سردرگمی می‌شود، نمایش فیلم از سراسر دنیا اقدامی سطحی نیست، بلکه دفاع از ارزش بنیادی انسان یعنی آزادی اندیشه است.»



سینمای جهان

# دشمن ما در ایران نیست

## مریل استریپ علیه دونالد و ملانیا ترامپ

پس از حرکت جالب علیه تهاجم آمریکا به ایران، مریل استریپ در آخرین اظهارنظرهایش انتقادهایی را نسبت به ملانیا ترامپ، همسر رئیس‌جمهور و بانوی اول آمریکا، مطرح کرده است.

### دشمن در ایران نیست

مریل استریپ برنده سه جایزه اسکار و رکورددار بیشترین نامزد دریافت بهترین بازیگر و یکی از قدرتمندترین ستاره‌های هالیوود طی بیش از چهار دهه، یکی از چهره‌هایی بود که علیه اقدامات جنگ‌طلبانه و دیوانه‌وار دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده واکنش نشان داد. چند روز قبل او در تجمع مخالفان دونالد ترامپ و جنگ علیه ایران، در حالی که یک تی‌شرت سرخ‌رنگ جالب به تن داشت، حضور پیدا کرد. روی تی‌شرت مریل استریپ نوشته شده بود: «دشمنان ما در ایران نیستند. آنها در پرونده ایستین هستند». اشاره او به پرونده جنجالی جفری ایستین، مجرم و متجاوز جنسی کودکان و قاچاقچی انسان است که طی ماه‌های اخیر مدارک تازه‌ای در مورد ارتباط او با برخی از چهره‌های مطرح سیاسی آمریکا از جمله دونالد ترامپ و بیل کلینتون منتشر شده است. موضوعی که چند روز قبل، ملانیا ترامپ، همسر دونالد ترامپ را وادار به واکنش کرده و او در یک کنفرانس خبری اعلام کرد که هیچ ارتباطی با ایستین نداشته است. موضوعی که بعد است بتواند افکار عمومی و رسانه‌های آمریکا و جهان را متقاعد کند و حتی واکنش جیمی کیمل، بازیگر و طنزپرداز را به همراه داشت. کیمل پس از بیانیه غافلگیرکننده ملانیا ترامپ، او را هدف شوخی‌های تند خود قرار داد. در مونولوگ خود، کیمل حتی عکس‌های جنجالی از ترامپ‌ها در کنار ایستین در خانه‌اش را نمایش داده و این سوال را مطرح کرد که چرا تنها دو روز از اعلام آتش‌بس، ترامپ با ایران این مسئله عنوان شد. او با طعنه گفت: «انگار او واقعاً از شوهرش متنفر است. نمی‌دانم چطور دیگری می‌شود این را توضیح داد». کیمل همچنین گفت که ترامپ وقتی این اتفاق را دیده «یک گالن نوشابه رژیمی را از دهانش بیرون پاشیده» و این ماجرا را نشانه‌ای از بی‌نظمی در کاخ سفید دانست. کیمل در ادامه تصویری قدیمی را نشان داد که در آن دونالد و ملانیا ترامپ در کنار ایستین در خانه‌اش دیده می‌شوند. او با کنایه پرسید: «اگر واقعاً او را نمی‌شناختید، چرا عکس‌تان در خانه‌اش قاب شده بود؟ شاید این عکس همراه قاب بوده، نمی‌داند». کیمل تأکید کرد زمان این بیانیه مشکوک است و اشاره کرد که ترامپ تلاش کرده بود موضوع ایستین را از تیتراژ اخبار دور نگه دارد. اما این سخنرانی دوباره آن را به مرکز توجه آورد. او گفت ملانیا «از ویرانه‌های پال شرقی کاخ سفید بیرون آمد» تا بیانیه‌اش را بخواند و افزود: «او گرد و خاک را از کت‌وشلوارش تکاند و بیانیه‌ای خواند تا از ما بخواد درباره چیزی که هیچ‌کس درباره‌اش حرف نمی‌زد، صحبت نکنیم! باور کنید این (ماجرا) از فیلم مستند ملانیا خیلی جذاب‌تر است!»

### خانم استریپ علیه بانوی اول

در گفت‌وگویی که مریل استریپ در شماره ماه می مجله وگ داشت، آنا وینتور، سردبیر سابق این مجله، درباره این صحبت کرد که چگونه همسران رئیس‌جمهورها مانند میشل اوباما و ترامپ، در عین بیان خود از طریق پوشش، اصلتشان را حفظ می‌کنند. سپس استریپ، بازیگر فیلم «شیطان پرادا می‌پوشد»، به یاد کت کوتاه ترنج سبزرنگ ترامپ افتاد که او در سال ۲۰۱۸ هنگام بازدید از یک مرکز نگهداری کودکان مهاجر در تگزاس پوشیده بود. این کت از برند زارا به دلیل نوشته «واقعاً برام مهم نیست، تو چی؟» که با حروف سفید روی پشت آن درج شده بود، واکنش‌های منفی زیادی برانگیخت. استریپ در گفت‌وگو با وینتور و مجری مصاحبه، گریا گریوگ، گفت: «در این مورد حرف‌های زیادی دارم. به نظر قدرتمندترین پیامی که بانوی اول فرستاد، همان کت بود که رویش نوشته شده بود «واقعاً برام مهم نیست، تو چی؟». زمانی که او برای دیدن کودکانی رفته بود که در بازداشت بودند. لباس‌ها ابزار بیان خود هستند، اما همچنین تحت‌تأثیر جریان‌های بزرگ‌تر تاریخی و سیاسی انتظارات قرار داریم». در آن زمان، سخنگوی بانو ملانیا ترامپ اعلام کرد که این کت پیام پنهانی نداشته است، هرچند دونالد ترامپ بعداً گفت این کت کنایه‌ای به رسانه‌ها بوده و افزود: «ملانیا فهمیده رسانه‌ها چقدر غیرصادق هستند و واقعاً دیگر اهمیتی نمی‌دهد!»

### هالیوود چالش ترامپ

ترامپ از ابتدای حضورش در کاخ سفید همواره دشمنان بزرگ و سرشناسی در هالیوود داشته است. او در دومین دوره پیروزی‌اش در انتخابات ریاست‌جمهوری به هالیوود تاخت و ادعا کرد یکی از برنامه‌هایش بازگرداندن هالیوود به دوران طلایی است. امروز اما بعد از یک‌سال که ریاست جمهوری‌اش می‌گذرد، اقتدر درگیر مسائل ریز و درشت است که نتوانسته برنامه‌اش درباره هالیوود را اجرا کند. جنگ و تهاجم علیه ایران اما ترامپ را بیش از پیش از ستاره‌های هالیوود وارد چالش کرده است. مارک رافلو بازیگر سرشناس هالک درباره پیام‌های تهدیدآمیز ترامپ در پیامی گفت: «این زبان یک دیوانه نسل‌کش است. این همان نوع زبانی است که به نسل‌کشی در غزه منجر شد؛ چیزی که آمریکا به‌شدت در آن نقش داشت. حالا رئیس‌جمهور آمریکا خودش همین حرف‌ها را تکرار می‌کند. این نوع ادبیات به نسل‌کشی منتهی می‌شود. جای این مرد پشت میله‌های زندان است». برایان کاکس، بازیگر مطرح اسکاتلندی که همسرش آیا، ریشه آلمانی-ایرانی دارد، درباره اینکه آیا خانواده همسرش در جنگ آمریکا علیه ایران در امنیت هستند یا نه، گفت: هیچ‌گاه نمی‌توانم نسبت به ایران بی‌تفاوت باشم. واقعیت این است که ترامپ هیچ اهمیتی به مردم نمی‌دهد. فقط به نفت علاقه‌مند است. چیزی جز طمع محض او را هدایت نمی‌کند. این تصور که او در حال آزادسازی مردم است، کاملاً بی‌معناست. همین طمع است که در کل جامعه نفوذ کرده است.»



به امری انتزاعی بدل شده بود؛ چرا که او هرگز صحنه نبرد را از نزدیک ندید و دشمنان را تنها به صورت «نقاطی روی نقشه» می‌شناخت. او این تجربه گیج‌کننده را سال‌ها بعد در کتاب «گروه من» (۲۰۰۵) با نگاهی اغلب طنزآمیز مستند کرد. نکته جالب در کارنامه حرفه‌ای کیدر، مخالفت صریح او با برجسب «روزنامه‌نگار ادبی» بود. او این اصطلاح را که منتقدان برای مقایسه او با بزرگانی، چون تام ولف و ترومن کاپوتی به کار می‌بردند، «منظاره‌انه» می‌دانست و ترجیح می‌داد خود را صرفاً یک «قصه‌گو» بنامد. کیدر در گفت‌وگویی با آسوشیتدپرس با رد مرزهای سفت و سخت میان حقیقت و تخیل گفته بود: «من داستان و غیرداستان را چندان متفاوت نمی‌دانم. من با کسانی که فکر می‌کنند غیرداستان نباید تکنیک‌های داستان‌نویسی را تصاحب کند، مخالفم. این موضوع‌ها هم به داستان‌سرایی تعلق دارند.»

### در جنگ ویتنام

تریسی کیدر سال ۱۹۴۵ در نیویورک متولد شده بود و در دانشگاه هاروارد تحصیل کرد و با وجود تلاش برای اعزام نشدن به ویتنام، به جنگ اعزام شد و در حالی که تنها ۲۲ سال داشت. زندگی شخصی کیدر نیز دست‌کمی از یک رمان نداشت. او در بحبوحه جنگ ویتنام و در حالی که تنها ۲۲ سال داشت، به عنوان مسئول یک گروه هشت نفره تحقیقات رادیویی به این کشور اعزام شد. مأموریت گروه او رصد ارتباطات واحدهای دشمن بود، اما جنگ برای کیدر

داستان را مختل نمی‌کند. تاریخ، جامعه‌شناسی، علم و نظریه طراحی به‌طور یک‌پارچه در روایت تیدیه شده‌اند. کتاب‌شناسی جامعی کتاب را به پایان می‌رساند.

### گزارش‌های خستگی‌ناپذیر

جان گرین، نویسنده کتاب «بخت پریشان ما»، با انتشار خبر درگذشت این نویسنده در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «کوه‌های آن‌سوی کوه‌ها» زندگی من و بسیاری دیگر را در سراسر جهان تغییر داد. رندوم هاوس، ناشر قدیمی کیدر، با انتشار خبر درگذشت او در بیانیه‌ای «استعداد وی در داستان‌سرایی و گزارش‌های خستگی‌ناپذیر او را بازتابی ماندگار از همدلی، صداقت و کنجکاوی بی‌پایانی» خواند که او در هر کاری که انجام می‌داد، به کار می‌برد. در تمام این مدت، کیدر مراقب بود

### به زبان فرانسه

در این دوره، از جشنواره فیلم کن تعداد قابل‌توجهی فیلم فرانسوی‌زبان در بخش مسابقه حضور دارند، از جمله «داستان‌های موازی» ساخته اصغر فرهادی. در آخرین ساخته اصغر فرهادی، ستاره‌های مشهوری چون ایزابل هویر، ونسان کسل، ویرژینی افرایا، بی‌یر نینه، آدم بسا و کاترین دنو ایفای نقش کرده‌اند. هایدی صفی‌یاری نیز برای هفتمین بار با اصغر فرهادی در این فیلم همکاری کرده و تدوین آن را برعهده داشته است. «داستان‌های موازی» محصول مشترک کشورهای فرانسه، ایالات متحده آمریکا، بلژیک و ایتالیا است. این فیلم توسط شرکت فرانسوی «منتو پروداکشن» و شرکت آمریکایی «انانیموس کانتنت» با مشارکت خود فرهادی تهیه شده است. تا پیش از اعلام اسامی فیلم‌های کن ۲۰۲۶، کمترین اطلاع درباره داستان آخرین فیلم اصغر فرهادی منتشر شده بود، به طوری که برخی گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن بود که این اثر ممکن است به حمله تروریستی سال ۲۰۱۵ در پاتاگان مرتبط باشد، هرچند مشخص شد اینگونه نیست. براساس آخرین اخبار «داستان‌های موازی» بازسازی یکی از قسمت‌های «ده فرمان» ساخته کریستف کیشولوفسکی، فیلمساز فقید لهستانی است. ماچنی موسیوا، تهیه‌کننده اجرایی فیلم، در گفت‌وگویی تأیید کرده که داستان این فیلم اقتباسی آزاد از قسمت ششم مجموعه «ده فرمان» است. همچنین





سال نهم، شماره ۲۲۰۴ یک‌شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۵

گزارش اقتصادی

## درباره تعدیل نیرو

آیا بنگاه‌ها مجاز به تعدیل نیرو نیستند؟

**ابراهیم نوروزی**

تحلیلگر اقتصاد

در فضای عمومی ایران، تعدیل نیرو توسط بنگاه‌ها اغلب امری مذموم تلقی می‌شود. بسیاری از افراد بر این باورند که بنگاه‌ها باید در شرایط بحرانی، زیان را بپذیرند و نیروی کار خود را حفظ کنند. استدلال رایج این است که صاحبان بنگاه‌ها در دوران رونق و ثبات اقتصادی، از منافع قابل‌توجهی بهره‌مند شده‌اند بنابراین در دوره‌های بحران، باید بخشی از سودهای گذشته را صرف حفظ اشتغال کرده و از تعدیل نیرو خودداری کنند. از نگاه این گروه، امنیت شغلی کارگران نه‌تنها یک ضرورت اقتصادی، بلکه یک مسئولیت اجتماعی و اخلاقی برای بنگاه‌ها محسوب می‌شود. در مقابل، صاحبان بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی تصویر متفاوتی ارائه می‌دهند. به باور آنها، سودآوری بسیاری از بنگاه‌ها در سال‌های اخیر به دلایل گوناگون، از جمله بی‌ثباتی اقتصادی، نوسان‌های شدید ارزی، محدودیت‌های تجاری و افزایش هزینه‌های تولید، به‌شدت کاهش یافته است. این شوک‌های بی‌دری، بسیاری از بنگاه‌ها را در موقعیت شکست‌کننده یا حتی زیان‌ده قرار داده است. در چنین شرایطی، حفظ کامل نیروی کار بدون توجه به واقعیت‌های مالی بنگاه، می‌تواند به تشدید زیان و در نهایت تعطیلی کامل آن منجر شود؛ وضعیتی که نه‌تنها به از دست رفتن تمام فرصت‌های شغلی در آن بنگاه می‌انجامد، بلکه تبعات گسترده‌تری برای اقتصاد نیز به همراه دارد. آنچه در این میان کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد ضرورت ایجاد تعادل میان پایداری بنگاه و امنیت شغلی نیروی کار است. تعدیل نیرو، هرچند تصمیمی دشوار و پرهزینه از نظر اجتماعی است، اما در برخی موارد می‌تواند به‌عنوان راهکاری برای بقای بنگاه و جلوگیری از فروپاشی کامل آن مطرح شود. از سوی دیگر، نمی‌توان انتظار داشت که هزینه‌های بحران صرفاً بر دوش نیروی کار قرار گیرد. اینجاست که نقش سیاستگذار اهمیت پیدا می‌کند. دولت می‌تواند با طراحی سازوکارهایی مانند بیمه بیکاری کارآمد، حمایت‌های موقت از بنگاه‌ها، یا تسهیل شرایط کسب‌وکار، بخشی از این فشار را کاهش دهد و مانع از تبدیل یک بحران کوتاه‌مدت به بحران ساختاری در بازار کار شود. مسئله تعدیل نیرو را نمی‌توان صرفاً از منظر اخلاقی یا صرفاً از زاویه اقتصادی تحلیل کرد. این موضوع نیازمند نگاهی چندبعدی است که هم واقعیت‌های بنگاه‌ها را در نظر بگیرد و هم معیشت و امنیت نیروی کار را. رسیدن به چنین تعاملی، مستلزم گفت‌وگوی صریح‌تر میان جامعه، بنگاه‌ها و سیاستگذاران همچنین اصلاحاتی در سطح نهادی و سیاستی است تا در مواجهه با بحران‌ها، هزینه‌ها به شکلی عادلانه‌تر توزیع شود. اینجا یک پرسش مهم مطرح می‌شود. اینکه اگر بخش مهمی از مشکلات اقتصادی حاصل سیاستگذاری‌های نادرست، بی‌ثباتی مقررات، شوک‌های ارزی یا تصمیمات کلان دولت است، چرا هزینه آن باید بر دوش بنگاه‌های خصوصی و در نهایت نیروی کار آنها قرار گیرد؟ از نگاه بسیاری از فعالان اقتصادی، این انتظار که بنگاه‌ها در هر شرایطی همه بار بحران را تحمل کنند، نوعی انتقال ناعادلانه هزینه‌ها از سطح سیاستگذاری به سطح اجراست. بخش خصوصی معمولاً ابزار چندانی برای مقابله با شوک‌های کلان ندارد. بنگاه‌ها نمی‌توانند سیاست ارزی تعیین کنند، در روابط بین‌الملل دخالت کنند یا قواعد کلان اقتصادی را تغییر دهند اما ناگزیرند پیامدهای همین سیاست‌ها را در ترازنامه خود جذب کنند. در چنین شرایطی، تحمیل این انتظار که علاوه بر همه این فشارها، از تعدیل نیرو نیز خودداری کنند، می‌تواند بقای آنها را به خطر اندازد. نتیجه چنین فشاری در بسیاری از موارد در حفظ اشتغال بلکه نابودی کامل بنگاه و از دست رفتن همه فرصت‌های شغلی خواهد بود. در عین حال، این تقد نیز وارد است که بخش مهمی از افکار عمومی و حتی برخی تحلیل‌ها، به‌جای تمرکز بر ریشه‌های سیاستی بحران، توجه خود را به پیامدهای آن در سطح بنگاه‌ها معطوف می‌کنند. شاید دلیل این امر، ملموس‌تر بودن رفتار بنگاه‌ها نسبت به سیاست‌های کلان باشد؛ تعدیل نیرو تصمیمی قابل مشاهده و فوری است، در حالی که خطاهای سیاستی اغلب پیچیده‌تر، غیرمستقیم و در لایه‌های بالاتری از تصمیم‌گیری رخ می‌دهند. با این حال نایدبه رفتن ریشه‌ها و تمرکز صرف بر معلول‌ها، نه‌تنها به حل مسئله کمک نمی‌کند بلکه ممکن است فشارهای نادرستی را بر بازیگران اقتصادی وارد کند. در چنین فضایی، آنچه اهمیت دارد بازتعریف مسئولیت‌هاست. دولت به‌عنوان بازیگر اصلی در شکل‌دهی به محیط اقتصادی باید سهم خود را در ایجاد یا تشدید بحران‌ها بپذیرد و برای کاهش آثار آن، سیاست‌های حمایتی مؤثر و هدفمند طراحی کند. این حمایت‌ها می‌تواند شامل کاهش بار مالیاتی موقت، تسهیل دسترسی به تأمین مالی یا ایجاد شبکه‌های ایمنی اجتماعی برای نیروی کار باشد. در مقابل، از بنگاه‌ها نیز انتظار می‌رود تا حد امکان از تصمیمات شتاب‌زده پرهیز کنند و راهکارهای جایگزین مانند کاهش هزینه‌های غیرضروری یا تعدیل تدریجی را در نظر بگیرند. اگر قرار است هزینه بحران‌ها به‌طور عادلانه توزیع شود باید میان نقش سیاستگذار و نقش بنگاه‌ها تفکیک قائل شد.

# توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

# به‌سوی بازسازی

## چرا بازسازی حکمرانی از بازسازی اقتصاد مهم‌تر است؟

**سعید خوش‌بین**

گروه اقتصادی

جنگ پایان یافته و فارغ از نتیجه مذاکرات، کشور نیازمند بازسازی گسترده است. خانه‌های بسیاری تخریب شده‌اند، زیرساخت‌ها آسیب دیده‌اند، ساختمان‌ها ترک خورده‌اند و مسیرهای ارتباطی متعددی مسدود شده‌اند که باید دوباره گشوده شوند. بازسازی این حجم از خرابی‌ها دشوار است اما ناممکن نیست. با این حال، اقتصاددانان بر یک نکته کلیدی تأکید دارند. اینکه پیش از هر اقدامی باید نظام حکمرانی اصلاح شود. از نگاه آنان، اگر نظام حکمرانی تغییر نکند و قواعد حاکم بر اقتصاد بهبود نیابد، بازسازی فیزیکی خرابی‌ها تأثیر پایداری نخواهد داشت. در مقابل، دیدگاهی دیگر بر این باور است که ترمیم فوری خرابی‌ها باید در اولویت قرار گیرد و نظام حکمرانی نباید در این مرحله هدفی جز بازسازی سریع زیرساخت‌ها و زندگی مردم داشته باشد. پرسش اساسی در این میان آن است که اولویت با کدام است؟ بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ یا بازآرایی نظام حکمرانی.

#### بازسازی با کدام فرمول؟

بازسازی پس از جنگ، یکی از پیچیده‌ترین و چندلایه‌ترین فرآیندهایی است که هر کشور جنگ‌زده‌ای باید با آن مواجه شود. تعریف اقتصاددانان از بازسازی این است که این فرآیند تنها به معنای ترمیم خرابی‌های فیزیکی نیست بلکه شامل بازآفرینی ساختارهای نهادی، اجتماعی و اقتصادی نیز می‌شود. در چنین شرایطی، تعیین اولویت میان بازسازی حکمرانی و بازسازی اقتصادی به یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاستگذاری تبدیل می‌شود. غلامرضا کشاورز از دانشگاه شریف می‌گوید: در نگاه نخست، ممکن است بازسازی اقتصادی و زیرساختی به‌عنوان فوری‌ترین نیاز مطرح شود. مردم نیاز به سرپناه دارند، راه‌ها باید بازگشایی شوند، خدمات عمومی باید از سر گرفته شوند و فعالیت‌های اقتصادی باید احیا شود. این نیازها ملموس، فوری و حیاتی هستند. تأخیر در پاسخ به آنها می‌تواند نارضایتی اجتماعی، مهاجرت گسترده و حتی بی‌ثباتی سیاسی را به همراه داشته باشد. با این حال، تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که تمرکز صرف بر بازسازی فیزیکی بدون اصلاح نظام حکمرانی اغلب به نتایج پایدار منجر نمی‌شود. حکمرانی، چارچوبی است که در آن تصمیم‌گیری‌ها انجام می‌شود، منابع تخصیص می‌یابد و قواعد بازی اقتصادی تعیین می‌شود. اگر این چارچوب ناکارآمد، غیرشفاف یا فاسد باشد، منابع بازسازی نیز به‌درستی استفاده نخواهند شد.»

از دید اقتصاددانان، یکی از مهم‌ترین دلایل اهمیت اصلاح حکمرانی، مسئله تخصیص منابع است. پس از جنگ، منابع مالی محدود هستند و نیازها بسیار گسترده. در چنین شرایطی، نظام حکمرانی باید قادر باشد اولویت‌ها را به‌درستی تعیین کند و منابع را به‌گونه‌ای تخصیص دهد که بیشترین منفعت عمومی حاصل شود. بدون وجود سازوکارهای شفاف و پاسخگو، احتمال اتلاف منابع، فساد و پروژه‌های ناکارآمد به‌شدت افزایش می‌یابد. علاوه بر این، اعتماد عمومی نقش کلیدی در فرآیند بازسازی

#### تحلیل اقتصادی

دارد. مردم باید باور داشته باشند که دولت در مسیر درستی حرکت می‌کند و منافع آنان را در نظر دارد. این اعتماد تنها از طریق بهبود حکمرانی، افزایش شفافیت و پاسخگویی ایجاد می‌شود. در غیاب اعتماد حتی بهترین برنامه‌های اقتصادی نیز با مقاومت اجتماعی یا بی‌تفاوتی مواجه خواهند شد. دکتر کشاورز می‌گوید: «از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری چه داخلی و چه خارجی، به‌شدت به کیفیت حکمرانی وابسته است. سرمایه‌گذاران نیازمند محیطی قابل پیش‌بینی، اثبات و مبتنی بر قانون هستند. اگر نظام حکمرانی نتواند چنین شرایطی را فراهم کند، ورود سرمایه به کشور با محدودیت جدی مواجه خواهد شد و روند بازسازی اقتصادی کند می‌شود.»

با این وجود نباید از اهمیت بازسازی فوری زیرساخت‌ها و اقتصاد غافل شد. مردم نمی‌توانند منتظر اصلاحات بلندمدت نهادی بمانند تا نیازهای اولیه‌شان برآورده شود. تأمین سرپناه، دسترسی به آب، برق، بهداشت و آموزش از جمله نیازهایی هستند که باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن پاسخ داده شوند. بنابراین رویکردی که صرفاً بر اصلاح حکمرانی متمرکز کند و بازسازی فیزیکی را به تعویق بیندازد نیز قابل دفاع نیست. در واقع، مسئله اصلی نه انتخاب یکی از این دو بلکه نحوه ترکیب و اولویت‌بندی آنهاست. می‌توان استدلال کرد که اصلاح حکمرانی باید به‌عنوان پیش‌نیاز و بستر بازسازی اقتصادی در نظر گرفته شود اما این به معنای توقف اقدامات فوری نیست بلکه اصلاحات حکمرانی باید هم‌زمان با بازسازی فیزیکی آغاز شود. به عقیده مه‌ران بهنیا، یکی از راهکارهای عملی در این زمینه، اجرای اصلاحات سریع و هدفمند در حوزه‌هایی است که بیشترین تأثیر را بر بازسازی دارند. برای مثال، ایجاد نهادهای نظارتی مستقل، تدوین قواعد شفاف برای مناقصات و پروژه‌های عمرانی و استفاده از فناوری برای افزایش شفافیت می‌تواند به‌سرعت کیفیت حکمرانی را بهبود بخشد. همچنین به عقیده صمد حسن‌زاده که در حال حاضر ریاست اتاق ایران را بر عهده دارد، مشارکت جامعه مدنی و بخش خصوصی در فرآیند بازسازی می‌تواند به تقویت حکمرانی کمک کند. این مشارکت نه‌تنها منابع و ظرفیت‌های بیشتری را به فرآیند بازسازی وارد می‌کند بلکه موجب افزایش نظارت عمومی و کاهش فساد نیز می‌شود.

نکته مهم دیگر، توجه به توزیع عادلانه منابع است. بازسازی نباید تنها به مناطق خاص یا گروه‌های خاص محدود شود. بی‌عدالتی در توزیع منابع می‌تواند به تشدید شکاف‌های اجتماعی و حتی بروز تنش‌های جدید منجر شود. نظام حکمرانی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که عدالت در مرکز تصمیم‌گیری‌ها قرار گیرد. با این مقدمه، واضح است که اقتصاددانان به چه دلیل اولویت را به بازسازی نظام حکمرانی می‌دهند تا به ترمیم خرابی‌ها. در حقیقت می‌توان گفت که بازسازی حکمرانی و بازسازی اقتصادی دو روی یک سکه هستند. بدون حکمرانی کارآمد، بازسازی اقتصادی به نتیجه مطلوب نخواهد رسید و بدون بازسازی اقتصادی، اصلاحات حکمرانی نیز با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. با این حال، از آنجا که حکمرانی نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به سایر فرآیندها دارد، می‌توان آن را به‌عنوان اولویت راهبردی در نظر گرفت.

بنابراین پاسخ به پرسش اصلی این است که اصلاح حکمرانی

باید در صدر برنامه‌های بازسازی قرار گیرد اما این اصلاحات باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که مانع از پاسخگویی فوری به نیازهای مردم نشوند. ترکیب هوشمندانه این دو رویکرد می‌تواند مسیر بازسازی پایدار و موفق را هموار کند.

یدالله دادگر از دانشگاه شهید بهشتی معتقد است، کشورهایی که توانسته‌اند پس از جنگ به‌سرعت بازسازی شوند معمولاً آنهایی بوده‌اند که به اصلاح نهادهای حکمرانی توجه ویژه‌ای داشته‌اند. این تجربه‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در بهبود حکمرانی، نه‌تنها یک انتخاب بلکه یک ضرورت برای دستیابی به توسعه پایدار است.

اما سوال این است که اگر نظام حکمرانی تصمیم بگیرد خود را اصلاح کند باید از کجا آغاز کند؟

اقتصاددانان می‌گویند نخستین گام، اصلاح فکر حکومت است. موس غنی‌نژاد، اصلاح نظام فکری را مقدم بر اصلاحات اقتصادی می‌داند و معتقد است اگر ایدئولوژی از حکمرانی ما حذف نشود، هیچ اصلاحی صورت نمی‌گیرد. گام بعدی، بازتعریف نقش دولت و نهادهای عمومی است. به این معنا که دولت باید از تصدی‌گری گسترده فاصله بگیرد و بیشتر بر سیاستگذاری، تنظیم‌گری و نظارت متمرکز کند. این تغییر رویکرد کمک می‌کند تا منابع محدود به شکل بهینه‌تری تخصیص یابند و از مداخلات غیرضروری که مانع رشد اقتصادی می‌شوند، جلوگیری شود.

گام مهم بعدی، تقویت حاکمیت قانون است. غنی‌نژاد می‌گوید: قوانین باید شفاف، پایدار و قابل پیش‌بینی باشند و اجرای آنها بدون تبعیض صورت گیرد. وجود نظام قضایی مستقل و کارآمد در این زمینه نقش حیاتی دارد زیرا اعتماد عمومی و امنیت سرمایه‌گذاری تا حد زیادی به تضمین حقوق مالکیت و اجرای قراردادها وابسته است. بدون چنین زیرساختی، حتی بهترین برنامه‌های اقتصادی نیز به نتیجه مطلوب نخواهند رسید. شفافیت یکی دیگر از ارکان کلیدی اصلاح حکمرانی است. دسترسی آزاد به اطلاعات، انتشار داده‌های مالی و عملکردی نهادهای دولتی و ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر می‌تواند از فساد جلوگیری کرده و کارایی را افزایش دهد. استفاده از فناوری‌های نوین نیز در این زمینه بسیار مؤثر است زیرا امکان رصد دقیق‌تر فعالیت‌ها و کاهش تعاملات غیرشفاف را فراهم می‌کند.

پاسخگویی نیز باید به‌عنوان یک اصل اساسی تقویت شود. مدیران و تصمیم‌گیران باید در برابر عملکرد خود مسئول باشند و سازوکارهایی برای ارزیابی و بازخواست آنها وجود داشته باشد. این امر نه‌تنها کیفیت تصمیم‌گیری را بهبود می‌بخشد بلکه اعتماد عمومی را نیز افزایش می‌دهد. مشارکت دادن جامعه مدنی و بخش خصوصی در فرآیند تصمیم‌گیری نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. این مشارکت باعث می‌شود، سیاست‌ها واقع‌بینانه‌تر و متناسب با نیازهای واقعی جامعه طراحی شوند. علاوه بر این حضور بازیگران مختلف می‌تواند به افزایش نظارت و کاهش تمرکز قدرت کمک کند. در نهایت، اصلاح حکمرانی نیازمند رویکردی تدریجی اما پیوسته است. تغییرات ناگهانی و بدون برنامه ممکن است به بی‌ثباتی منجر شود اما تعلل در اصلاحات نیز هزینه‌های سنگینی به همراه دارد. بنابراین باید مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ، واقع‌بینانه و قابل اجرا طراحی و به‌صورت مستمر دنبال شود تا زمینه برای توسعه پایدار و بازسازی مؤثر فراهم شود.

بدین معنا نیست که خانوارهای دهک بالا از اقلام خوراکی کمتری استفاده می‌کنند بلکه نسبت کالاهای گروه خوراکی نسبت به درآمد آنها کمتر از خانوارهای دهک پایین است. چراکه کالاهای خوراکی بخش حذف‌نشدنی سبد مصرفی هر خانوار است و با کاهش درآمد، سهم بیشتری به اقلام خوراکی و سهم کمتری به خدمات و کالاهای غیرضروری اختصاص می‌یابد.

از نیمه دوم سال ۱۴۰۳ تا کنون، تورم نقطه‌ای خانوارهای دهک اول بیشتر از خانوارهای دهک دهم بوده است. علت این مسئله را نیز می‌توان در منشأ تورم جویا شد. زمانی که تورم دهک‌های کم‌درآمد بالاتر از دهک‌های پردرآمد جامعه است، فشار تورمی در آن دوره بیشتر از سمت گروه خوراکی‌هاست. اگر روند تورم خانوارهای این دو دهک را بررسی کنیم، می‌توان دید در دوره‌هایی که منشأ جهش تورم اقلام خوراکی بوده، تورم خانوارهای دهک اول از دهک دهم سبقت گرفته است.

این رخداد در ابتدای سال ۱۴۰۱ کاملاً مشخص است. پس از حذف ارز ترجیحی یا همان دلار ۴۲۰۰ تومانی، تورم نقطه‌ای کشور رقمی تاریخی را تجربه کرد. خانوارهای دهک اول نیز در فروردین ۱۴۰۱ تورمی ۵۸.۹ درصدی را به ثبت رساند. چراکه عمده ارز ترجیحی به کالاهای خوراکی اختصاص پیدا می‌کرد و با حذف آن جهش قیمت قابل توجهی در این اقلام اتفاق افتاد.

## اوج نقطه به نقطه

**خانواده‌ها چه فشاری را تحمل می‌کنند؟**

#### مریم باقری

تحلیلگر اقتصاد

آخرین گزارش مرکز آمار از تورم کشور نشان می‌دهد خانوارهای کم‌درآمدترین و پردرآمدترین اقشار جامعه در پایان سال ۱۴۰۴ بالاترین تورم نقطه به نقطه را در چند سال اخیر تجربه کرده‌اند. پایان سال ۱۴۰۴ برای جیب خانوارها، چه فقیر و چه غنی، پایانی خوش نبود. روند تورم در میان دهک‌های مختلف درآمدی تصویر متفاوتی از فشارهای قیمتی بر خانوارها ارائه می‌دهد. با وجود افزایش عمومی قیمت‌ها، تورم به شکلی یکدست میان دهک‌ها توزیع نشده و برخی گروه‌ها فشار بیشتری را تحمل کرده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، خانوارهای کم‌برخوردار تورم بالاتری را در چند ماه اخیر نسبت به خانوارهای برخوردار تجربه کرده‌اند که عمدتاً از سوی اقلام خوراکی بوده است.

## تهران زیبا شد

## بارش های فرانرمال در روزهای گذار از جنگ به آتش بس



**گروه اجتماعی:** درحالی که عقربه‌های دیپلماسی در روزهای حساس «آتش بس دوهفته‌ای» میان ایران و ائتلاف آمریکا و اسرائیل حرکت می‌کنند، پایتخت‌نشینان و ساکنان نوار غربی کشور با پدیده‌ای مواجهند که در میان هیاهوی موشک‌ها و پهپادها به صدر بحث‌های روزمره راه یافته است: «باران‌های سیل‌آسا». از ۹ اسفندماه که نخستین شعله‌های جنگ برافروخته شد تا ۱۹ فروردین که اسلحه‌ها موقتاً به زمین گذاشته شد، آسمان ایران برخلاف پیش‌بینی‌های بدبینانه سال‌های اخیر، لبریز از سخاوت بود. اما این تقارن زمانی میان «تخریب زیرساخت‌های راداری» و «اریزش‌های جوی سنگین»، بازار شایعات علمی-تخیلی را داغ کرد.

## رادارها؛ سپر ابرها یا ابزار تماشای؟

در فضای مجازی، گزاره‌های دست‌به‌دست می‌شود که مدعی است: «با آسیب دیدن سامانه‌های پدافندی و راداری در جریان درگیری‌های اخیر، مسیر ورود ابرهای باران‌زا که پیش‌تر توسط سیگنال‌های راداری مسدود شده بود، باز شده است». این ادعا که با زبانی شبه‌علمی روایت می‌شود، وزارت نیرو و سازمان هواشناسی را ناچار به واکنش کرد. واقعیت فنی اما فرسنگ‌ها با این شایعات فاصله دارد. سامانه‌های راداری، چه از نوع هواشناسی و چه نظامی، ماهیتی «پایشگر» دارند. فرکانس‌های ارسالی این سامانه‌ها برای تشخیص اجسام یا ذرات جوی طراحی شده‌اند و توان انرژی آنها در مقایسه با انرژی نهفته در یک سامانه کم‌فشار که هزاران کیلومتر مربع را پوشش می‌دهد عملاً صفر است. داده‌های رسمی نشان می‌دهند که سازمان هواشناسی در ۱۱

اسفندماه، یعنی تنها در روز پس از آغاز درگیری‌ها، وقوع «بارش‌های فرانرمال» را برای بازه ۲۵ اسفند تا ۲۳ فروردین پیش‌بینی کرده بود. این پیش‌بینی براساس الگوهای جهانی «آل‌نینو» و نوسانات شاخص‌های دورپیوندی صورت گرفته بود نه بر اساس وضعیت رادارهای مستقر در زمین. در واقع ابرها پیش از آنکه جنگ به مرحله تخریب زیرساخت‌ها برسد، در مسیر حرکت به سمت فلات ایران بودند.

## هوای پاک؛ میراث موقت «ایستایی اقتصادی»

تهران پاک‌ترین روزهای خود را در نیم‌قرن اخیر تجربه کرد. اما روزنامه‌نگاران محیط‌زیست می‌دانند که این نه یک دستاورد مدیریتی بلکه یک «توفیق اجباری» ناشی از شرایط جنگی بود. طبق گزارش‌های ترافیکی، در هفته‌های دوم و سوم اسفند، تردد خودروهای شخصی در کلان‌شهرها به دلیل ملاحظات امنیتی و کمبود سوخت بیش از ۷۰ درصد کاهش یافت.

از سوی دیگر، بخش عمده‌ای از صنایع سنگین و آلاینده در حاشیه تهران و البرز یا به دلیل تهدیدات نظامی تعطیل شدند و یا با حداقل ظرفیت فعالیت کردند. این «تعطیلی بزرگ» در کنار بارش‌های مداوم که نقش «شست‌وشوی جوی» را ایفا می‌کردند، شاخص کیفیت هوا را در بسیاری از روزها به زیر عدد ۴۰ رساند. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند که این وضعیت، «آرامش پیش از توفان آلودگی» است. با شروع فاز بازسازی در روزهای پس از آتش بس نیاز به سیمان، فولاد و حمل‌ونقل سنگین برای جبران تخریب‌های زیرساختی، جهشی ناگهانی در مصرف سوخت‌های فسیلی و فعالیت‌های

می‌کند. کسری منابع آبی پایتخت به قدری عمیق است که حتی فروردینی بسا دو برابر بارش نرمال نیز نمی‌تواند، ناترازی منابع و مصارف را جبران کند.

## دورنمای تابستان؛ آل‌نینو در راه است

گزارش‌های هواشناسی حاکی از آن است که کشور در حال انتقال به فاز گرم نوسان جنوبی یا همان «آل‌نینو» است. این پدیده اگرچه در پاییز می‌تواند، نویدبخش بارش‌های خوب باشد اما در تابستان پیش‌رو، خطر افزایش دما و کاهش بارش‌های موسمی در جنوب شرق (سیستان و بلوچستان و هرمزگان) را به همراه دارد.

بنابراین تلقی عمومی مبنی بر اینکه «امسال سال پرآبی است» یک خطای محاسباتی خطرناک در مدیریت مصرف آب خواهد بود. وضعیت مخازن سدهای تهران، البرز و قم همچنان در وضعیت قرمز یا نارنجی قرار دارد. جمعیت متراکم پایتخت و حومه، ظرفیتی فراتر از توان این حوزه‌های آبریز ایجاد کرده است که با چند موج بارشی بهاری ترمیم نمی‌شود.

## جامعه

## خاکسترنشینی نان‌آوران

## فروپاشی بازار کار پس از جنگ ۴۰ روزه



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

درحالی که از نوزدهم فروردین‌ماه، با اعلام آتش بس دو هفته‌ای، غرش جنگنده‌ها در آسمان ایران فروکش کرده و دیپلماسی در هتل‌های اسلام‌آباد پاکستان میان نمایندگان تهران و واشنگتن به جریان افتاده است، آمارهای غیررسمی از جبهه‌های دیگر، زنگ خطر را به صدا درآورده‌اند. گزارش‌های میدانی و تحلیل‌های آماری نشان می‌دهند که جنگ ۴۰ روزه، بازار کار ایران را با چنان شوک ساختاری مواجه کرده که آثار آن فراتر از تخریب‌های فیزیکی، می‌شست میلیون‌ها مزدبگیر را در لبه پرتگاه قرار داده است. برآوردها حاکی از آن است که در صورت عدم تثبیت شرایط اقتصادی، آمار بیکاران ناشی از این نبرد به‌زودی از مرز دو میلیون نفر عبور خواهد کرد.

## تخریب زیرساخت‌های مادر؛

## انجماد اشتغال در صنایع استراتژیک

نخستین ضربه مهلک به بازار کار، ناشی از اصابت مستقیم تنش‌های نظامی به زیرساخت‌های انرژی و صنایع سنگین بود. طبق داده‌های استخراج شده از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس و تحلیل‌های کارشناسی، بیش از ۷۰ درصد توان تولیدی در بخش‌های کلیدی پتروشیمی و فولاد بر اثر آسیب به پست‌های برق و خطوط انتقال مواد اولیه از مدار خارج شده است. این توقف تولید، تنها یک عدد در ترازنامه‌های مالی نیست؛ بلکه به معنای تعلیق فعالیت هزاران نیروی متخصص و کارگر فنی است. آمارها نشان می‌دهد تنها در یک مورد، از کار افتادن مجتمع‌های فولادی در مناطق مرکزی و جنوبی کشور، اشتغال مستقیم ۲۰ هزار نفر و اشتغال غیرمستقیم ۵۰ هزار نفر را در صنایع پایین‌دستی مانند قطعه‌سازی و حمل‌ونقل جاده‌ای به بن‌بست کشانده است. در هاب‌های انرژی کشور مانند عسلویه و ماهشهر نیز اختلال در نیروگاه‌های تأمین‌کننده برق (نظیر مبین و دماوند) تولید را در نیمی از فازهای پتروشیمی متوقف کرده و ده‌ها هزار نفر را در بلا تکلیفی شغلی قرار داده است.

## خبر

## توقیف اموال

## بیش از ۴۰۰ چهره خارج‌نشین

## مسدودی حساب‌ها و شناسایی دارایی در چارچوب مقابله با همکاری با کشورهای متخاصم

با دستور مقام قضایی، اموال و دارایی‌های بیش از ۴۰۰ نفر از چهره‌های شناخته‌شده خارج از کشور شناسایی و توقیف شده است. این اقدام در راستای اجرای قانون تشدید مجازات جاسوسی و مقابله با همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی صورت گرفته است.

براساس گزارش منتشرشده، این افراد به حمایت از حملات خارجی و پشتیبانی از جریان‌های معاند در خارج از کشور متهم شده‌اند. در همین راستا، دستور قضایی برای شناسایی، توقیف اموال همچنین مسدودی حساب‌های بانکی این افراد صادر و اجرا شده است. گفته می‌شود این فهرست شامل طیف گسترده‌ای از فعالان در حوزه‌های مختلف از جمله بازیگران، ورزشکاران، مدیران و خبرنگاران برخی رسانه‌های خارج از کشور است.

در میان افراد اعلام‌شده، نام چهره‌هایی همچون محمد صادقی، مازیار فلاحي، پرستو صالحی، مسعود شجاعی، مزدک مزبانی، احسان کریمی، حمید فرخ‌نژاد و اشکان خطیبی به چشم می‌خورد. همچنین تعدادی از فعالان رسانه‌ای و خبرنگاران از جمله پوریا زراعتی، فراد فرحزاد، نیوشا صارمی، مراد ویسی و سمیرا قرایی نیز در این فهرست قرار دارند.

علاوه بر این، اسامی دیگری از فعالان فرهنگی و رسانه‌ای نظیر علی شریف‌زادگی، حامد اسماعیلیون، لیلا سعادت، محمد تقوی و نریمان قریب نیز به‌عنوان افرادی که اموال و حساب‌هایشان مشمول این دستور شده، اعلام شده است. طبق اعلام منابع رسمی، این اقدام در راستای مقابله با فعالیت‌های رسانه‌ای و تبلیغی علیه کشور و جلوگیری از حمایت مالی و رسانه‌ای از جریان‌های معاند انجام شده است. همچنین تأکید شده که این روند در چارچوب قوانین داخلی و با هدف صیانت از امنیت و منافع ملی ادامه خواهد داشت.

گزارش‌ها حاکی است که فرآیند شناسایی اموال این افراد از طریق بررسی دارایی‌های ثبتی و حساب‌های مالی آنها صورت گرفته و اقدامات لازم برای مسدودسازی و توقیف این دارایی‌ها در حال اجراست.

مرکزی تأمین شده است، کارگران بخش خصوصی و واحدهای خدماتی کوچک عملاً از هرگونه چتر حمایتی محروم مانده‌اند. حمید حاج‌اسماعیلی، کارشناس حوزه کار و اشتغال، در تحلیل وضعیت کنونی تأکید دارد که دولت به‌جای تدوین یک برنامه منسجم برای جلوگیری از تعدیل نیرو در بخش خصوصی، تنها به توزیع کالاب‌های حمایتی بسنده کرده است؛ حمایتی که با توجه به تورم ۶۰ تا ۷۰ درصدی کالاها در همین بازه ۴۰ روزه به هیچ‌عنوان پاس‌خوگی هزینه‌های زندگی خانوارهای کارگری نیست. این رویکرد، منجر به رها شدن میلیون‌ها کارگر در کارگاه‌های کوچک و واحدهای صغری شده که به دلیل نبود مشتری یا تخریب محل کار، منبع درآمد خود را از دست داده‌اند.

## تأمین اجتماعی و چالش ورشکستگی ساختاری

افزایش ناگهانی متقاضیان بیمه بیکاری، فشار کم‌رکنی را بر سازمان تأمین اجتماعی وارد کرده است. از یک سو ورودی‌های حق بیمه به دلیل بیکاری گسترده و کاهش فعالیت‌های اقتصادی به حداقل رسیده و از سوی دیگر، تقاضا برای دریافت مقرری بیکاری به بالاترین میزان خود در دهه‌های اخیر رسیده است. حقوق‌قدانان حوزه کار هشدار می‌دهند که وضعیت فعلی می‌تواند به ناتوانی سازمان در انجام تعهدات خود منجر شود. طبق قوانین کار در شرایطی که محل کار تخریب شده یا به دلیل فورس‌ماژور (جنگ) تعطیل شود، کارگران حق استفاده از بیمه بیکاری را دارند؛ اما با توجه به حجم عظیم بیکاران در صنایع مادر و بخش خدمات، ظرفیت‌های پاس‌خوگی ادارات کار به شدت مختل شده و بسیاری از پرونده‌های شکایت و تقاضای مقرری در پیچ‌وخم‌های اداری و قطعی سیستم‌ها معلق مانده‌اند. بازار کار ایران بیش از آنکه به آمارهای داخلی تکیه کند، گوش به زنگ اخبار رسیده از پاکستان است. واقعیت‌ها نشان می‌دهد که حتی در صورت موفقیت مذاکرات و دستیابی به یک توافق پایدار، بازگشت به اشتغال پایدار فرآیندی زمانبر خواهد بود.

نااطمینانی حاکم بر شاخص‌های کلان اقتصادی و نوسانات شدید نرخ ارز، میل به سرمایه‌گذاری و جذب نیروی کار جدید را در بنگاه‌های اقتصادی به صفر نزدیک کرده است. کارشناسان بر این باورند که اولویت دولت در دوران پس از آتش بس باید فراتر از بازسازی فیزیکی ابنیه باشد؛ احیای زنجیره تأمین، رفع فوری محدودیت‌های ارتباطی و ایجاد خطوط اعتباری ویژه برای بازگشت به کار نیروهای تعدیل شده، تنها راه جلوگیری از تبدیل این بحران اقتصادی به یک انفجار اجتماعی است.





**سازندگی:** روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقلتی • سردبیر: اکبر منتجبی  
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوجانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقلتی  
مدیرهنری: رضا دولتزاده • عکس: رضا مطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروفچین: سحر خسروجردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۲۷۴۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

### تاریخ

## خواب مذاکره

جایی میان سیاست، حکمرانی  
و تغییر نگاه به گفت‌وگو با جهان



**سازندگی:** ۲۲ سال پیش، در سوم بهمن ۱۳۸۲، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی صبح جمع‌های از خواب بیدار شد و در خاطراتش نوشت: «خواب عجیبی دیدم...». خوابی که در آن خود را در کنار یک هیأت چهار نفره برای مذاکره با آمریکا می‌دید؛ هیأتی که دکتر روحانی نیز در آن حضور داشت. در همان فضا، بحثی میان او و خاتمی شکل گرفته بود که چه کسی ریاست هیأت را بر عهده بگیرد.

آنها وارد مکانی شدند که بیشتر به کوجه‌های جماران شباهت داشت تا یک محل رسمی مذاکره. آیت‌الله وارد سالن اصلی شد و با فردی روبه‌رو شد که او را جورج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا معرفی کردند. گفت‌وگوها ابتدا عادی پیش می‌رفت اما ناگهان بوش به زمین افتاد و دهانش باز ماند. او را از آنجا خارج کردند و فرد دیگری جای او نشست. و در همین لحظه بود که آیت‌الله از خواب پرید و رفت برای نماز صبح.

حالا پس از گذشت دو دهه، همان خواب در پرتو واقعیت‌های امروز و گفت‌وگوهای گاه‌ب‌گاه میان ایران و آمریکا معنای دیگری پیدا می‌کند؛ گویی آنچه روزی در حد یک رؤیا بود، امروز در قالب مذاکرات و رفت‌وآمدهای سیاسی به بخشی از واقعیت پیچیده روابط دو کشور تبدیل شده است. واقعیت این است که در آن زمان، او از نخستین کسانی بود که دریافت سیاست صرفاً در شعار خلاصه نمی‌شود و مذاکره نیز می‌تواند بخشی از سازوکار حکمرانی باشد. متن خاطره روز جمعه ۳ بهمن ۱۳۸۲ آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را در ادامه می‌خوانید:

«خبر قطع ارتباط کاوشگر مریخ (اسپریت) آب سردی بر سر کاخ سفید ریخت که از آن برای تبلیغات ریاست‌جمهوری محوری ساخته بودند. از دیروز اسپریت عکس و مطلب مخابره نمی‌کند و فقط غلط بی‌مفهومی در جواب می‌فرستد. حداقل سه ماه باید عکس، تصویر و مطالب مخابره می‌کرد و البته اگر باتری‌های آن که با نور خورشید شارژ می‌شود و در اثر عوض شدن زاویه تابش خورشید یا گرد و غبار بیشتر کار کنند.

خبری هم داده‌اند که وجود آب در مریخ اثبات شده. اظهارات البرادعی در مورد همکاری ایران با آژانس به عنوان یک هشدار به ایران تفسیر شده. او گفته اگر ایران سطح همکاری‌اش را بالا نبرد ممکن است، فاجعه‌ای رخ دهد و سه کشور فرانسه، آلمان و انگلیس هم قبلاً فشار زیادی برای گرفتن امتیاز در جهت حذف برنامه چرخه سوخت داشته‌اند و حتی وزیر خارجه انگلیس در ملاقات با آقای خاتمی در سوئیس بر آن تأکید داشت، با اینکه در این مرحله ایران از آنها طلبکار است که باید به قول‌های خود در جهت بهره‌گیری ایران از منافع صلح‌آمیز هسته‌ای کمک کنند.

امروز صبح با خواب عجیبی بیدار شدم: در عالم رویا قرار بود در رأس هیأتی چهار نفره که دکتر روحانی هم جزو آن بود با آمریکا مذاکره کنیم. آقای خاتمی هم جزو هیأت بود. من ترجیح می‌دادم که چون ایشان رئیس‌جمهور است، رئیس هیأت باشد و ایشان می‌خواست چون من بزرگترم، رئیس هیأت باشم. بدون اینکه این مسئله را حل کرده باشیم به محوطه‌ای رسیدیم که مثل جماران، کوچه پس‌کوچه‌ای بود. از ما استقبال گرمی نمودند. وارد حیاط بزرگی شدم. مجموعه‌ای از نژادهای مختلف مردم آنجا بودند و با صدای بلند و شعارگونه از ما استقبال کردند و گروهی عرب هم بودند که با شعار «مرحبا» خوش‌آمد می‌گفتند. اینجا آقای خاتمی همراه نبود، نزدیک سالن اصلی که رسیدیم شخصی را به عنوان بوش معرفی کردند. تهریشی هم داشت و با من معافه کرد. با هم راه افتادیم، کنار پله و سستونی رسیدیم آنجا حالش بهم خورد و به زمین نشست و دهانش باز ماند. لحظه‌ای بعد او را بردند و شخص دیگری به جای او نشست. در این لحظه از خواب بیدار شدم و برای نماز صبح بلند شدم».

# حافظه تاریخی در آتش جنگ

## میراث فرهنگی ایران و مطالبه در حقوق بین‌الملل



آرمان پورقربانی

عضو شورای استان گیلان  
حزب کارگزاران سازندگی ایران

در پی تجاوز ناجوانمردانه دشمن به خاک کشورمان آسیب‌های گسترده‌ای وارد شده که اگرچه مهم‌ترین آنها خسارت مظلومانه هزاران هموطن بوده اما خسارات جنایتکارانه حملات به زیرساخت‌های انرژی، صنعت، کریدورهای مواصلاتی، درمان و آموزش، حمله به زندگی و آینده یک ملت بود که نمی‌توان زیر سایه شعار دروغین دخالت بشردوستانه پنهانش کرد. در کنار همه اینها، خسارات سنگین وارد شده به ده‌ها بنای تاریخی، موزه، محوطه باستانی و آثار فرهنگی ایران نیز دیگر فقط خسارت عمرانی نیست؛ بلکه تعرض به حافظه تاریخی، هویت ملی و شناسنامه فرهنگی و تمدن‌ساز ایران است که نشان از یک کینه تاریخی یا دست‌کم یک پروژه خبیثانه دارد. چراکه میراث فرهنگی هر ملت، تجلی استمرار تاریخی آنان و حلقه اتصال نسل‌های گذشته، حال و آینده است. از این‌رو، تخریب عامدانه این میراث را نمی‌توان صرفاً یک خسارت جانبی جنگ تلقی کرد؛ بلکه این اقدام، تعرض مستقیم به هویت تاریخی یک ملت و در مساردی بر پایه رویه‌های حقوق بین‌الملل، می‌تواند در شمار مصادیق جنایت علیه بشریت و میراث فرهنگی قرار بگیرد.

### چارچوب‌های حقوق بین‌الملل

در حقوق بین‌الملل، به‌ویژه پس از تجربه‌های تلخ قرن بیستم، جامعه جهانی به این جمع‌بندی رسید که نابودی میراث فرهنگی تنها از بین بردن اشیاء نیست بلکه نابودی حافظه و موجودیت فرهنگی ملت‌هاست. بر همین اساس کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه درباره حمایت از اموال فرهنگی در زمان مداخلات مسلحانه، همراه با پروتکل‌های الحاقی آن، دولت‌ها را موظف می‌کند از بناهای تاریخی، موزه‌ها، مراکز فرهنگی و محوطه‌های میراثی حفاظت کرده و هرگونه حمله عمدی به این آثار را ممنوع می‌داند. افزون بر این، رویه‌های قضایی بین‌المللی در سال‌های اخیر، از جمله در پرونده‌های مربوط به تخریب میراث فرهنگی در آفریقا و خاورمیانه، نشان داده که نابودی هدفمند آثار فرهنگی می‌تواند در ردیف جرایم بین‌المللی قابل تعقیب قرار بگیرد.

اینک ایران نیز باید از این ظرفیت حقوقی بهره بگیرد. مثال واضح‌تر تجربه تاریخی یهودیان پس از جنگ جهانی دوم در این زمینه است که آنان با تشکیل نهادهای تخصصی، مستندسازی دقیق تخریب‌ها، ثبت اموال غارت شده و پیگیری مستمر حقوقی توانستند نه تنها بخش‌هایی از میراث فرهنگی خود را بازپس بگیرند بلکه در روند مذاکرات پسا‌جنگ، غرامت‌های مالی مشخصی برای بازسازی و احیای آثار دست‌رفته، دریافت کردند. همین تجربه جهانی ثابت کرد که اگر خسارات فرهنگی در زمان مناسب به‌طور مستند و حقوقی وارد مذاکرات صلح و سازوکارهای جبران خسارت نشود، در آینده به‌سادگی به حاشیه رانده می‌شود.

از همین منظر، مذاکرات پیش‌رو میان ایران و ایالات متحده (هرگاه با هدف تثبیت صلح، کاهش تنش یا تعیین

### ادامه یادداشت روز

## در ستایش سیاست

سیاست در نهایت، نه‌تنها به‌عنوان یک رشته عملی بلکه به‌عنوان یک دانش علمی و فلسفی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. سیاست دکتربین و فنون خاص خود را دارد و در عین حال از نهادها، سازمان‌ها و فرآیندهایی تشکیل شده که با تدبیر و خرد اداره می‌شوند. در این راستا باید از دوگانه‌های ساده و کاذبی که می‌خواهند میدان جنگ را در مقابل دیپلماسی قرار



است. بی‌درنگ از یونسکو، ایکوموس، ایکوم و کمیته بین‌المللی سپر آبی دعوت شود تا ارزیابی مستقل و بین‌المللی خسارات را انجام دهند. این ارزیابی‌ها، وزن حقوقی مطالبه ایران را افزایش داده و مانع از سیاسی شدن صرف پرونده می‌شود.

### سازوکارهای جبران و آینده‌سازی در حوزه میراث فرهنگی

همچنین ضروری است ایران در مذاکرات آتی، پیشنهاد تأسیس صندوق ویژه بازسازی میراث فرهنگی آسیب‌دیده را مطرح کند؛ صندوقی که منابع آن باید از محل غرامت طرف‌های مسئول، کمک‌های بین‌المللی و سازوکارهای حمایتی فرهنگی تأمین شود. این صندوق می‌تواند علاوه بر بازسازی فیزیکی آثار، هزینه احیای گردشگری فرهنگی، ترمیم اشیاء آسیب‌دیده و مرمت زیرساخت‌های فرهنگی مناطق خسارت‌دیده را نیز پوشش دهد.

نکته مهم آن است که مطالبه ایران نباید صرفاً محدود به مرمت دیوارها و بناها باشد. بسیاری از خسارات وارده به میراث فرهنگی، ماهیتی غیرقابل جایگزین دارند؛ نابودی یک کتیبه، تخریب یک محوطه باستانی یا آسیب به یک اثر چند هزار ساله، خسارتی نیست که تنها با پول جبران شود. از این‌رو در محاسبه غرامت باید ارزش غیرمادی، تاریخی و تمدنی آثار نیز لحاظ شود؛ همان‌گونه که در بسیاری از پرونده‌های بین‌المللی پیشین چنین شده است. امروز، دفاع از میراث فرهنگی این سرزمین تنها وظیفه‌ای اداری یا فرهنگی نیست؛ این دفاع، بخشی از صیانت از حاکمیت ملی، هویت تاریخی و شأن تمدنی ایران است. اگر مذاکرات آتی قرار است به صلحی پایدار و عادلانه منتهی شود، عدالت فرهنگی باید جزئی جدایی‌ناپذیر از آن باشد. صلحی که در آن ویرانی میراث فرهنگی دیده نشود، صلحی ناقص است. اکنون زمان آن رسیده است که ایران با تکیه بر تجربه‌های موفق جهانی و بهره‌گیری از ابزارهای حقوق بین‌الملل از میراث تمدنی خود نه فقط در میدان فرهنگ بلکه بر میز مذاکرات سیاسی نیز دفاع کند.

چارچوب جبران خسارات برگزار شود) نباید صرفاً بر مسائل نظامی، سیاسی و اقتصادی متمرکز بماند. یکی از محورهای اساسی این مذاکرات باید به موضوع تخریب میراث فرهنگی کشورمان اختصاص یابد. این موضوع باید در متن مذاکرات و هرگونه توافق احتمالی به‌عنوان یک بند مستقل و الزام‌آور گنجانده شود. چراکه با تکیه بر کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه با موضوع حمایت از اموال فرهنگی در مداخلات مسلحانه، کنوانسیون میراث جهانی یونسکو ۱۹۷۲ همچنین قواعد عرفی حقوق بشر درباره ممنوعیت هدف قرار دادن میراث فرهنگی، می‌توان خواست محقانه ملت ایران را از تجاوزان، مطالبه کرد؛ خاصه آنکه اگر اثری ثبت جهانی یونسکو باشد، مسئولیت بین‌المللی مهاجم نیز سنگین‌تر شده و غرامت، هنگامی معنا و عدالت واقعی می‌یابد که همه ابعاد خسارت، از جمله خسارات فرهنگی و تمدنی، در آن دیده شود.

### الزامات نهادی و حقوقی برای ثبت و پیگیری خسارات

حالت به‌نظر می‌رسد وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در مقطع کنونی نقشی تعیین‌کننده برعهده دارد. نخستین وظیفه این وزارتخانه، تکمیل فوری و دقیق بانک جامع خسارات وارده به میراث فرهنگی ایران است؛ بانکی که باید شامل ثبت کامل آثار آسیب‌دیده، ارزیابی میزان تخریب، گزارش کارشناسی، تصاویر مستند و برآورد دقیق هزینه‌های مرمت و بازسازی باشد. چنین پرونده‌ای نه‌تنها برای حافظه ملی بلکه برای هرگونه دعوای حقوقی بین‌المللی ضروری است.

گام دوم تشکیل کمیته‌ای ویژه با حضور نمایندگان وزارت امور خارجه، حقوقدانان بین‌المللی، متخصصان میراث فرهنگی، کارشناسان ارزیابی خسارت و نمایندگان نهادهای ذی‌ربط است که باید مأمور تهیه پرونده رسمی مطالبه غرامت فرهنگی باشد. بدون پیوست رسمی حقوقی، احتمال اینکه موضوع میراث فرهنگی در مذاکرات نادیده گرفته شود، بسیار بالاست.

گام سوم بهره‌گیری فعال از ظرفیت نهادهای بین‌المللی

است، احترام گذاشت. سیاست زبان گویا، سخنوری دقیق و عرفی و استخوان‌دار دارد، منعطف و پیچیده است، مکر و حیل دارد و چون بازیگر بازی شطرنج پیش‌بینی می‌کند و رفتار راهبردی دارد. میدان و دیپلماسی ابزارهای سیاست هستند. سیاست تدبیر علمی ارتباط ابزارها با اهداف در راستای مصالح ملی است.

**آگهی مفقودی**  
سند کمیتهی خودرو سواری سیستم پژو تیپ پارس به رنگ نقره ای متالیک مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ۵۱۹ ۴۷۳ ایران ۹۱ و شماره شاسی ۱۹۳۳۳۸۸۶ و به شماره موتور ۲۰۵۹۷۵ بنام ستایش ساری با کد ملی ۴۴۹۰۷۲۰۶۵۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.